



در امر کانونه

\$1.50

هفته نامه مردم افغانستان

شماره بیست و یکم / سال بیست و چهارم / پنجشنبه ۱۲ حمل ۱۳۹۵ / ۳۱ مارچ ۲۰۱۶ / شماره مسلسل ۱۰۱۶

دانشمند نیوتن می گوید :

«ممکن نیست حرکت کنونی ستارگان محض نتیجه فعل قوه جاذبه عمومی باشد، قوه جاذبه ستارگان را به سوی خورشید جذب می کند، اما برای حرکت ستارگان بر مدار خورشید باید قدرت خداج) موجود باشد، یک قدرتی که با وجود کشش قوه جاذبه عمومی، بتواند ستارگان را بر مدارات شان استوار نگه دارد.» سبحان الله

**افغان مینی مارکت عرضه کننده انواع مواد خوراکی و طبی**

یگانه مغازه افغانی در منطقه واشنگتن بزرگ که تازه ترین مواد خوراکی، انواع میوه های فصل، نان های تازه وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، و گوشت های تازه مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسبیت تقدیم میکند ارسال پول به تمام دنیا بزودترین فرصت با  
**Western Union**  
6566 Backlick Rd. Springfield, VA 22150  
Tel: 703-644-0186 Cell: 703-499-3313

**بیمه استیت فارم**  
LIKE A GOOD NEIGHBOR,  
STATE FARM IS THERE.®

For your insurance and financial needs, see State Farm agent:  
**Afzal Nasiri, Agent**  
8704 Sudley Road  
Manassas, VA 20110-4405

**703-369-6224**

ماری خلیلی، افضل ناصری  
خانه، موتو، صحت  
حیات، تجارت

**عزیز الله آریافر از یک انفجار جان به در برد**



۲۵ مارچ/ کابل - روزنامه ماندگار: عزیزالله آریافر، کمیشنر کمیسیون شکایت های انتخاباتی، شام دیروز از یک انفجار جان سالم بدر برد. هراس افغانان مواد انفجاری رادریایسکی جاسازی کرده در مقابل خانه آریافر منفجر ساختند. درین انفجاریکی از محافظان او به شدت زخم برداشت و آریافر می گوید وضع صحتی این محافظش خوب نیست و احتمالاً پایش قطع می شود.

عزیزالله آریافر، تنها کمیشنر کمیسیون شکایتهای انتخاباتی بود که به چگونگی برگزاری انتخابات و تقلبهای گسترده انتخاباتی بشدت معترض بود. آقای آریافر به تکرار از تقلبهای سازمان یافته و مهندسی انتخابات با حضور در رسانهها انتقاد کرد. او میگوید به حمایت از هیچ گروهی صدا بلند نکرده است؛ بل او نمی توانسته بیعدالتی و مرگ دمو کراسی را به تماشا بنشیند. آریافر، نگران امنیت خود و اعضای خانواده اش می باشد. او به شدت زیر تهدید قرار دارد. در همین حال جنرال خان آغا اچکزی معاون غیر نظامی فرمانده قول اردو (سیاه) ۱۲۰۵ اتل شامگاه پنجم حمل در وقت ادای نماز در اثر تیر اندازی کشته شد. بگفته آقای خیلواک، معاون فرمانده حوزه جنوب در ولسوالی (شهرستان) دند در جنوب ولایت قندهار هدف تیر اندازی دو فرد مسلح قرار گرفت. جنرال اچکزی که زخمی شد و به بیمارستان انتقال یافت اما در بیمارستان در گذشت. درین رویداد پسر جنرال اچکزی زخمی شده و هر دو فرد مهاجم هم در جریان شلیک متقابل محافظان جنرال اچکزی از پای در آمدند. طالبان با قبول مسئولیت حمله، گفته اند او در اثر حمله دو فرد انفجاری در مهمانخانه اش کشته شده است.

**نورستانی: اعلام نشدن به موقع نتایج انتخابات، اشتباه بود**

۲۷ مارچ/ کابل - صدای امریکا: احمد یوسف نورستانی پس از سه سال مأموریت در رأس کمیسیون مستقل انتخابات، دیروز استعفا خود را به ریاست جمهوری فرستاد و رئیس جمهور نیز بلا درنگ ازین تصمیم نورستانی استقبال کرده و استعفا نامه اش را امضا کرد. نورستانی در مصاحبه اختصاصی به صدای امریکا گفت بدلیل فشار های داخلی و خارجی بر حکومت، احترام به منافع ملی و بیرون رفتن افغانستان ازین بیست های که اکنون پیش روی روند انتخابات قرار دارند، استعفا داد. او گفت با خود فیصله کردم که کمیسیون را رها کنم، در ضمن حکومت ازین بن بست رهایی یابند، راه آزاد شود که اگر با رفتن من خارجیان با حکومت کمک میکنند، به آن ادامه دهند. هیچ فشاری از سوی حکومت وجود نداشت که باید این پست را رها کنم، به رضایت خود این کار را کردم. نورستانی افزود هیچگاه نتایج انتخابات شفاف در افغانستان بر گزار نمیگردد؛ زیرا امنیت وجود ندارد و شمار دقیق رأی دهندگان معلوم نیست. اگر اصلاحات انتخاباتی به میان نیاید، شمار دقیق رأی دهندگان مشخص نشود و تذکره های الکترونیکی توزیع نشود، انتخابات آینده نیز پراز مشکلات خواهد بود.

رئیس پیشین کمیسیون مستقل انتخابات در پاسخ به این پرسش که اشتباه تان در دوران مأموریت سه ساله چی بود؟ گفت بزرگترین اشتباهم این بود که نتایج انتخابات ریاست جمهوری به موقع اعلام نشد، هرچی می شد می شد، افراد کشته میشدند، کسی افغانستان را ترحم به میکرد، هر چند تصمیم شخصیم هم نبود و ما در کمیسیون همکاری کردیم و باید بدهیم تصمیم میگیر فتندهمه موافق بودند که اعلام نشود. اما استعفا نورستانی تأثیری روی کار کمیسیون مستقل انتخابات خواهد داشت؟ نورمحمد نور سخنگوی کمیسیون مستقل انتخابات گفت نظریه قانون هر کس حق تصمیمگیری دارد و میتواند استعفا دهد؛ اما با رفتن آقای نورستانی، کار این نهاد بصورت عادی پیش خواهد رفت. بر اساس اصول اداری، تمام مسئولیتهای آقای نورستانی به معاون کمیسیون منتقل شده و اکنون رهبری این نهاد را عبدالرحمان هوتکی بدوش دارد. آقای نورافزود کمیسیون به کار خود ادامه میدهد، جلسات خود را، کار روی انتخابات آینده جریان دارد، این کدام مشکل جدی نیست و این یک مسأله معمولی است. کمیسیون روی برنامه های برگزاری انتخابات ولسی جرگه و شوراهای ولسوالی که در ۲۴ میزان امسال مشخص شده، مصروف است و سرتاژی چی چگونگی برگزاری این انتخابات را تدوین میکند. اما سخنگوی کمیسیون مستقل انتخابات تأکید کرد که اگر حکومت بودجه برگزاری انتخابات را فراهم کند، در تاریخ تعیین شده مردم برای انتخاب نمایندگان شان در ولسی جرگه و شوراهای ولسوالی پای صندوق های رأی خواهند رفت؛ در غیر آن این کار ممکن نیست.

**ادامه درگیری در حومه شهر قندز**

۲۶ مارچ/ قندز - بی بی سی: غلام حضرت کریمی سخنگوی واحد ۲۰ پامیر، در ولایت قندز گفت درگیری میان نیروهای امنیتی و طالبان از صبح روز جمعه، ۶ حمل (فروردین) در اطراف جاده شیرخان بندر - قندز، در حومه این شهر آغاز شد و تا کنون ادامه دارد که طی آن ۱۲ طالبان کشته و ۱۰ طالب زخمی شدند. درین عملیات نظامی نیروی هوای ناتو نیز از نیروهای امنیتی افغان حمایت کرده اند. دکتر حسین ولسوال خود خوانده ولسوالی خان آباد این گروه نیز کشته شده است. طالبان تا کنون در این باره واکنش نشان نداده اما وزارت دفاع در خبرنامه ای شمار کشته شدگان را ۱۰ نفر و زخمی شدگان نیرو های مخالف را ۲۷ تن اعلام کرده است. در خبرنامه تأکید شده که ارتش برنامه دارد تا عملیات نظامی را در مناطق نا امن راه اندازی کند.

**۸۱٪ افغانها از حکومت شان ناراض اند**

۲۴ مارچ/ کابل - صدای امریکا: یک سروی مورد مدیریت نشراتی ایالات متحده یا BBS پوشرکت گلوب حاکی است که نزدیک به ۸۱ درصد شرکت کنندگان نسبتاً یا کاملاً از کار کرد حکومت وحدت ملی ناراضی اند و فقط ۱۷ درصد مصاحبه دهندگان از کار کرد این حکومت ابراز رضایت قسمی یا کلی کرده اند. این سروی از تاریخ ۱۲ اکتوبر تا ۱۸ اکتوبر بر اساس مصاحبه با ۲۰۰۰ شهروند افغان در ۳۴ ولایت افغانستان صورت گرفته است.



در مقایسه بین دوره حکومت، میزان ناراضیتهای از عبدالله بیشتر از اشرف غنی احمدزی بوده است. حدود ۷۶٪ شرکت کنندگان سروی از کار کرد رئیس جمهور غنی احمدزی و ۸۶٪ از اجراءات رئیس اجرائیه عبدالله ابراز ناراضیتهای زیاد کرده اند. عبدالله خود نیز خزان گذشته در مصاحبه با تلویزیون آشنا صدای امریکا گفت «امنیت آن گونه که مردم توقع داشتند، تأمین نشده، حق دارند مردم که ناراض باشند.» (دنباله در صفحه هفتم)

**مظاهرات در فاریاب به خشونت کشانده شد**

۲۴ مارچ/ فاریاب - صدای امریکا: ریاست جمهوری افغانستان طی اعلامیه گفته است که به اساس قانون اساسی مظاهرات باید مسالمت آمیز باشد، در غیر آن هر گونه مظاهرات خشونت آمیز مغایر قانون اساسی این کشور است. این در حالیست که مقامهای ولایت فاریاب میگویند در جریان مظاهرات بین هواداران جنرال عبدالرشید دوستم، معاون اول ریاست جمهور و عطا محمد نور، سرپرست ولایت بلخ در این ولایت درگیری صورت گرفته که منجر به کشته شدن یک فرد ملکی و جراحت پنج تن شده است. شماری از شاهدان عینی میگویند این درگیریها پس آن صورت گرفت که دسته مختلف شامل در مظاهره بر ضد یکدیگر شعار سر دادند که در نهایت منجر به زد و خورد بین طرفین شد. جاوید بیدار، سخنگوی ولایت بلخ میگوید بلزخمیهای این رویداد همه افراد ملکی بوده اند که شامل یک کودک نیز می باشد.

در همین حال شماری از هواداران حزب جنبش ملی برهبری جنرال دوستم درگردهمایی شان در شهرهای مزار شریف، شبرغان و میمنه یکن از سخنگویان حزب جمعیت رانتم به پائین کردن تصویر جنرال دوستم میکنند. به گفته آنها مقامات امنیتی در بلخ از بازداشت او عاجز اند. اعتراض کنندگان بشمول کنشکاترستانی، رئیس جوانان حزب جنبش ملی هشدار میدهند اگر مقام های بلخ، ذبیح الله فطرت معاون سخنگوی حزب جمعیت را بازداشت نکنند و به پنجه قانون نیسارند، به مظاهرات گسترده دست خواهند زد. ذبیح الله فطرت، معاون سخنگوی جمعیت اسلامی در مزار شریف این گفته هارایی بنیاد میخواند و اینها را فراتر از برداشتن تصویر دانسته و آنرا موضوعات سیاسی عنوان میکند. حضرت شاه، مسئول نصب بنر ها و لوحه های بزرگ در مزار شریف تأیید میکند که شخص معاون سخنگوی حزب جمعیت اسلامی به وی گفته است که از نصب تصاویر جنرال دوستم خود داری کند، گفته های که از سوی معاون سخنگوی حزب جمعیت رد شده است.

مظاهرات در ولایات شمال پس از آن اوج گرفته که هواداران جنرال دوستم در مزار شریف ادعا کرده اند که شماری از افراد ناشناس با استفاده از موترهای پلیس در یکی از جاده های عمومی این شهر تصویر جنرال دوستم را پایان کرده است. این افراد تأکید دارند که این کار در روز نوروز صورت گرفته و این کار هتک حرمت به تصویر جنرال دوستم به شمار می رود.

**آمدگی برای افزایش جنگل های پسته**

۲۷ مارچ/ هرات - باختر: رئیس زراعت ولایت هرات میگوید: این اداره در نظر دارد امسال شش هزار جریب زمین را به احداث باغها بپسته اختصاص دهد. این جنگلها عموماً در ولسوالیهای کرخ، زنده جان، گدره انجیل وجود دارند. در سالهای اخیر حدود یک هزار جریب زمین برای احداث جنگلهای پسته در هرات اختصاص یافته است. هرات از جمله ولایات است که در آن جنگلهای مهم پسته موجود است.

**استخراج معادن در پنجشیر معیاری میشود**

۲۷ مارچ/ پنجشیر - باختر: محمد عارف سروری والی پنجشیر در نشست زیر نام مردمی و تخصصی با معادن کاران و تجار زمر در رابطه به قانونمند ساختن معادن گفت: معادن در هر مکانیکه باشند سرمایه کشور بوده و ما در جهت قانونمند ساختن آن در روند استخراج از هیچ نوع تلاش در پنجشیر دریغ نخواهیم ورزید. پنجشیر یک ولایت امن و عاری از هر نوع چالش امنیتی بوده در جهت استخراج معادن ما هیچ نوع چالش وجود ندارد. درین نشست بر سه موضوع تأکید بعمل آمد: روی ارایه پلانتها و برنامه های فعلی و آینده حکومت مرکزی و محلی، موضوعات امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، تشویق و ترغیب مردم به حفظ اتحاد وحدت و همبستگی و حمایت از برنامه های حکومت و تشویق در بخش سرمایه گذاری داخلی نیز بحث صورت گرفت. مسئولان ریاست معادن پنجشیر میگویند: فعلاً معادن در پنجشیر با وسایل و ابزار ابتدائی استخراج و با سهم ۱۰ درصد به دولت استخراج میگردد.

**یکی از عاملان به شهادت رساندن قهرمان ملی کشور در بلجیم بازداشت شد**

۲۷ مارچ/ بروکسل - نور تی وی: یکی از عاملان به شهادت رساندن قهرمان ملی کشور شهید احمد شاه مسعود در بلجیم بازداشت شده است. روزنامه بریتانیایی دیلی میل نوشت این فرد عبدالرحمان امیرو نام دارد و در سال ۲۰۰۱ در رویداد ترور قهرمان ملی افغانستان دست داشته است. به اساس گزارش دیلی میل، امیرو در اصل به اتهام حملات روز سه شنبه بروکسل بازداشت شد؛ اما پیش از آن در انجام حمله انتحاری بر احمد شاه مسعود در افغانستان نیز همکاری کرده است. این هراس افکن شهروند اصلی فرانسه است و در به شهادت رساندن قهرمان ملی کشور نقش دارد.

**بلخی: از اخراج اجباری ۱۰۰ هزار پناهجو از اروپا جلوگیری کردیم**

۲۷ مارچ/ کابل - نور تی وی: وزارت مهاجرین و عودت کنندگان می گوید از اخراج اجباری یکصد هزار پناهجوی افغانستان از کشورهای اروپایی جلوگیری کرده است. وزیر مهاجرین و معین سیاسی وزارت امور خارجه برای پاسخگوی درباره مشکل پناهجویان افغانستان در کشورهای اروپایی به نشست عمومی مجلس سنا فرا خوانده شدند. اعضای مجلس سنا وضعیت زندگی پناهجویان افغانستان را در کشورهای اروپایی نگران کننده میخواند و میگوید حکومت افغانستان برای حل این مساله یک اقدام همه جانبه انجام دهد. اما سید حسین عالمی بلخی وزیر مهاجرین و عودت کنندگان میگوید آنها از اخراج اجباری یکصد هزار پناهجوی افغانستان از کشورهای اروپایی جلوگیری کرده اند. آقای بلخی می افزاید که حکومت افغانستان یک تفاهم نامه را در باره چگونگی زندگی مهاجران افغان در کشورهای اروپایی هفته روان با کشور آلمان امضا خواهد کرد.

در همین حال حکمت خلیل کرزی معاون سیاسی وزارت خارجه از سخن گفتن در حضور رسانه هادرمورد مشکل پناهجویان افغان در کشور های اروپایی معذرت خواهی کرد. این درحالیست که این پناهجویان در کشورهای اروپایی در وضع بدی زندگی میکنند. وزارت مهاجرین و عودت کنندگان میگوید بیش از هفت میلیون شهروند افغانستان در کشورهای منطقه و اروپایی در مهاجرت به سر می برند.

**غرب مانع خرید سلاح روسی از جانب افغانستان شد**

۲۶ مارچ/ مسکو - نور تی وی: کشورهای کمک کننده غربی به افغانستان از حکومت خواسته اند که از پول کمکی آنان جنگ افزار روسی نخرد. ضمیر کابلوف فرستاده ویژه روسیه برای افغانستان و پاکستان به خبرگزاری انترتاس روسیه گفت حکومت افغانستان علاقمند است در بخشهای تخنیک و نظامی همکاری روسیه را جذب کند؛ اما در حالیکه کشورش آماده این همکاری شده، شماری از کشورهای کمک کننده غرب موافقی در برابر این همکاری ایجاد کرده اند.

**ده ها خانواده داعشی به افغانستان منتقل شده اند**

۲۶ مارچ/ کابل - نور تی وی: وزارت دفاع ملی از منتقل شدن خانواده های تروریستان داعش به داخل کشور خبر میدهد. ظاهراً این بار نیز انگشت اتهام به سوی پاکستان است، کشوریکه در نظر سنجی اخیر دو نهاد پژوهشی امریکا، منشأ مشکلات در افغانستان خوانده شده است. به تازگی فرمانده پلیس ولایت کتر به رسانه ها گفت حدود هشتاد خانواده تروریستان داعش در مناطق کوهستانی این ولایت مسکن گزین شده اند. کتر ولایت هم مرز پاکستان است و بیشتر مناطق آن کوهستانی.

محمد رادمش معاون سخنگوی وزارت دفاع ملی نیز تأیید میکند که شماری از خانواده های تروریستان داعش در بیرون از کشور جمع آوری و بداخل افغانستان منتقل میشوند. رادمش میگوید همان گونه که تروریستان داعش در ننگرهار سر کوب شدند، در دیگر ولایتهای سر کوب خواهند شد. این درحالیست که به اساس آمارهای ارایه شده از سوی مسئولان ولایت ننگرهار، طی سال گذشته بیش از دو هزار تروریست داعش در این ولایت کشته شده اند. بیشتر خانواده های تروریستان به شکل مهاجر از آن سوی مرز وارد کشور میشوند. پیش ازین خبرهایی درباره وارد شدن خانواده های تروریستان داعش در ولایت های زابل و پکتیکا نیز منتشر شده است.

**افزایش جرایم جنایی در شهر کابل**

۱۸ مارچ/ کابل - نور تی وی: شماری از باشندگان کابل از افزایش جرایم جنایی در پایتخت شکایت میکنند و میگویند پلیس کابل نسبت به مصونیت جان و مال شان کم توجه است. در کابل بیش از شش میلیون انسان زندگی میکند و نزدیک به ۸۰٪ این شهر غیر معیاری اعمار شده است. سرفتهای مسلحانه از بزرگترین مشکلات باشندگان به شمار میرود. شماری از باشندگان شکایت دارند که جرایم جنایی درین شهر افزایش یافته است. حمید الله یک باشنده کابل با انتقاد از حکومت در خصوص کم توجهی در راستای کاهش جرایم جنایی میگوید جان و مال شان مصون نیست و از مسئولان امنیتی میخواهد پیش از پیش برای تأمین امنیت و کاهش جرایم جنایی توجه کنند. هم اکنون گشت و گذار در شب در شماری از کوچه ها سخت شده و مردم نمیتوانند با مصونیت گشت و گذار کنند. دزدی مسلحانه نیز در شهر وجود دارد و سرعت مو تر تا به سرعت لوازم خانه. نجیب دانش معاون سخنگوی وزارت امور داخله میگوید با آمدن رهبری جدید درین وزارت برنامه های تازه رویدست است که با تطبیق آن برخی از چالشهای کنونی در کابل حل خواهد شد. شهر کابل به دلیل سرفتهای مسلحانه، قتل و آلودگی هوایی از بدترین شهرهای جهان معرفی شده و بارش باران درین چند روز به دلیل نبود آبرو های مناسب به مشکلات باشندگان این شهر نیز افزوده است.

پروفیسر داکتر حمیدهادی کرو لای نای شمالی قیام فاشیسم جهانی و خطرات آن قاضی معروف امریکابنام William Douglasزمانی مردم را ازظهورفاشیسم وعواقب خطرناک آن اخطار داده چنین نوشت: (تاریکی شب دفعتا) فرودمنی آیدو همچنان انحطاط فکری ودماغی بر اجتماعات انسانی یک پدیدهٔ آنی نیست. طوریکه در پایان روز آفتاب دفعتا غروب نمی کندوقبل از غروب آفتاب لحظهٔ کوتاهی وجوددارد که انسانرا ازرسیدن تاریکی شب آگاه میسازد، فاشیسم هم دفعتا وبصورت آنی سایهٔ تاریک و ترسناک خودرا بر اجتماعات انسانی پهن نمی سازد. درلحظهٔ کوتاه قبل ازغروب آفتاب، تغییراتی درفضا دیده میشود که از آمدن تاریکی شب خبرمی دهد. در اجتماعات بشری هم پیش ازرسیدن فاشیسم تغییراتی درمحیط دیده میشود، مردمی که ناآگاهند و تغییرات این لحظه را نادیده می پندارند، قربانی تاریکی شب میگردند.)

تقریباجهله ودوسال قبل زمانیکه برای تحصیل عم طب به امریکا آمده بودم، باطیب سالخورده ویاتجره‌ایکه ازاهل یهود ومردم رومانیا بود، درشهرنیویارک آشناشدم . گاهی ازخداپرستی درادیان ابراهیمی وزمانی پرفلسفهٔ دیگرگرایان دراوقافراغت بحث میکردیم. این مرد وفابیش قربانی اعمال نازی جرمنی شده بودند. روزی راجع به آمدن کمونیسم درافغانستان گفتگو داشتیم، درین موقع او رویم کرد وگفت: مردم شمانباید منتظرآن باشند تا کمونیسم داخل کشور شما شود، ودانشمندان واهل خبره را اسیر یاترورنمایند وبرفرهنگ، دین وعنعنات شما اهانت نماید. باید قبل ازسراز بردن عساکرروس درسرزمین تان، شماباید بتوانید تغییرات محیطی ویوی کمونیسم رادر مشام تان احساس نمایید تااین تاریکی مرگبار شمارابه تباهی نکشاند. آن مردم باتجره حقیقت رایبان میکرد یعنی ویرانی یک کشورو آمدن فاشیسم بهرشکلی باشد، بدون عوارض قبلی رخ نمیدهد. ملت هاییکه از آمدن این اهریمن آگاه نگردند وعلایم قبل ازرسیدن این مرض کشنده رانادیده بگیرند، قربانی یش ازحدخواهندبود.

امروز فاشیسم به شکل سیاسی یاقومی وقبیلوی یابه شکل دینی (خصوصاً اسلام افراطی) درسراسرجهان روبه ظهور وقیام میباشد. ممالک اروپایی، امریکا، کشورهای افریقایی، کشورهای اسلامی شرق میانه وآسیای مرکزی، افغانستان وپاکستان طعمهٔ این آتش جانسوز شده اند. برای مثال درین نوشتهٔ مختصر از یک کشوربزرگ و پهناور یعنی امریکا ویک کشورفقیر وعقب مانده یعنی افغانستان بحث می نمایم.

انظرتعریف یعنی Definition، فاشیسم یک سیستم ادارهٔ حکومتی است که توسط یک دکاتاتور رهبری میشود. رهبراین دکاتوری معمولاً ازطریق انتخابات قلبی ومردم فریبی به کرسی قدرت رسیده وباستیلا برسسیستم اقتصادی، یعنی بانکها، وسیستم نظامی ودیگر انستیتوهای کشور، افکارو ایدیولوژی وفلسفهٔ برتری نژادی ونظریات منفی خودرا درمورد دیگراقوام کشورپخش نموده ومخالفین خودرا سرکوب می نماید.

ازطرف دیگر فاشیسم دینی ومدهبی ریشهٔ افراطی Fundamentalismدارد. فندمنتالیسم انظرتعریف به یک حرکت مذهبی امریکایی ها ارتباط میگردد. در شروع قرن بیستم یک گروه مردم افراطی دینی عکس العمل شدیدی به مقابل پیشرفت وتمدن وتجدد نشان دادندو همین گروه افراد بودند که تنهاوتنها کتاب مقدس انجیل رابعقیدهٔ چون حضرت عیسی پسر خدا، مریم باکره، ناپدیدشدن حضرت عیسی بعداز مرگ، آمدن دوبارهٔ او، فلسفهٔ دوزخ وبهشت و کفسارهٔ گناهان وامثال آنرا مظهرحقیقت مطلق دانسته وبراعتقادات ادیان وعنعنات مردم دیگر درجهان خط بطلان می کشیدند.

امروز دردین اسلام هم بعهده مردمی ازافراطیون اسلامی وجوددارند که باشرارت، پررویی وعدم تحمل عقایددیگران، صرف برای بدست آوردن پول وقدرت درجامعه، برعقاید وعنعنات طبقات دیگرجامعه اهانت میکنند. این گروه که جاهلترین طبقات اجتماع میباشند، بنام ملا وچلی وحتی عالم دین، نظریات سخیف وكاذب خودرازدیک به حقیقت وحتی تنهاحقیقت مطلق می دانند. این دسته افراطیون دینی عوض فراگرفتن ومباحثه درمورداحادیث مبارکه وقرآن مقدس، بر دین حقیقی اسلام شریف وبرصلح وصفادعت می گویندومردم را گمراه میسازند. این گروه که تعدادشان درهمه جاخصوصا در افغانستان روبه ازدیاد است، از استدلال وبکاربردن عقل که قرآن مقدس به مراتب درآن اصرارمی ورزد، فرارمیکندو باپرویی، شارلاتانی، شقاوت و فریب وامرارحیات از راههای غیرمجاز مشغولند.

اول : درمورد امریکا: باوجودیکه کشورپهناورامریکا باداشتن قانون اساسی برجسته، سابقهٔ احترام به حقوق بشر، پیشرفت سریع درساینس وتکنالوژی یکی از کشورهای بزرگ دموکراسی بشمارمیرود، اما متاسفانه طوریکه قبلا ذکرشد، ازمدتی به اینطرف نظام عدل و مساوات وحرمت به حقوق انسانی درین کشور بزرگ متأثرشده است. بوضاحت دیده شده است که بعدازتراژدی ۱۱/۹ سال ۲۰۰۱ وحملهٔ ترورستان اسلامی، که اکثر آنها ازعربستان سعودی وچندنفر آنها تابعیت مصر راداشتنند، برعمارات مرکز تجارت جهانی درنیویارک واشنگتن، رهبران این کشوربزرگ مرتکب اعمال غیراخلاقی وحتی متهم به جنایت علیه بشریت شده اند. حملهٔ امریکابرعراق جزئیات این اعمال را توضیح میدهد. نویسندهٔ معروف وفرزانهٔ امریکابنام Naomi Wolfاعمال جورج بوش راکه مشابهت زیادی به اعمال هتلرجرمنی داشت، چنین توضیح کرد :

۱- درزمان بوش تحدیدات منصوصی درمیدانهای هوایی بوجودآمد و مسافرینی که باخودمدلول هامتل آب باشیرداشتنند، مجبورمیشدند تاقدری از محلول رابنوشند تامواذهری بامنقله درآن نباشد. مثلا مادری که شیرطفل نوزادش راباخود داشت مجبورساخته شدتاازآن بنوشد. این مسأله درعهد موسولینی وهتلر دیده شده بود .

۲- جورج بوش بانتخابات قلبی رویکارآمد وگروه جمهورپخواهان در جاده های فلوریدا دست به شرارت زدند. انتخابات هتلربه عین شکل صورت گرفت .

۳- درزمان بوش ادارهٔ بنام Homeland Securityبوجودآمد. عین اداره بعداز به قدرت رسیدن هتلر تأسیس شد.

۴- قانون نازیها درساله‌ای ۱۹۳۰ درجرمنی برداکتران فشار آوردندتا دوسیة شخصی مریشان رابدسترس حکومت قراردادد. درسال ۲۰۰۱ یعنی به قدرت رسیدن جورج بوش وداردسته اش Patriot Actامریکا وضع شدویر داکتران فشار آوردند تا دوسیة مریشان را به FBI بدهند . (دنباله درصفحهٔ ششم)

**Omair Weekly**  
**P.O. Box 30818 Alexandria, VA 22310**  
**Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604**  
**mkqawi471@gmail.com**

**ناشر و مدیر مسئول : محمدقوی کوشان**

محمد طاها کوشان فریمونت - کالیفرنیا
**تفرقه افگنان و دسیسه سازان در قرآن سخت نکوشش شده اند**

ای بی خبراز کم خردان شکوه چه لازم

آدم نبود آن که ز حیوان گله دارد یدبل(رح)
[وما تفرقوا الا من بعد ما جاءهم العلم بغیابینهم ولولا کلمه سبقت من ربک الی اجل مسمی لقضی بینهم وان الذین اورثوا الكتاب من بعدهم لفی شک منه مریب][۱۴) دردین تفرقه نکردند مگر بعد ازآنکه به حقانیت دین یقین داشتند، وحسدی که به یکدیگرمیورزیدند وادار شان کرد تفرقه کنند، واگر حکم ازلی خدا براین قرارنگرفته بود که تا مدتی معین زنده بمانند، کارشان رایکسره می کردیم، چون اینان که باعلم به حقانیت، آنرا انکار کردند باعث شدند نسلهای بعدی دربارہ آن در شکی عمیق قرار گیرند (۱۴).

عبارت (بغیاً بینهم) کلیدی ترین عبارت آیه است: (بغی) در لغت، به حسد و ظلم معنا شده است. بنابر این معنا، خداوند یکی از علل اصلی افتراق ازحق ودین الهی راحسادت وظلم عده‌ای برعهده‌ای دیگر دانسته که البته می‌تواند دریک معنای عام سرچشمه آنرا امیال نفسانی وشیطانی نیزدانست. اما درمورد(تفرقوا) برخی مفسران معنای تفرقه را، تفرقه میان پیروان اهل کتاب در دین خود دانسته‌اند. همچنین تفسیردیگری نیزوجوددارد که منظورازتفرق درین آیه ایمان نیاوردن اهل کتاب به پیامبراسلام(ص) می‌باشد؛ آنها از پیامبر جدا ماندند و این‌گونه تفرقه در دین الهی راسبب شدند، درحالیکه به نبوت و رسالت پیامبر اسلام علم و اطمینان داشتند.

خدای کریم رب العالمین، یعنی هرچه در دنیا ومافها هست نموده، خداوند همه است که به حبیب خود حضرت محمد مصطفی (ص) دستورفرمود: (وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا حَکَمْنَا عَلَیْهِمْ حَقِیْبًا وَ مَا آتَّ عَلَیْهِمْ بُوکَیْلٌ(۱۰۷) و اگر خدای میخواست که با اوشریک نگیرند، هرگز نگرفتندی، و ترا هم بر آنها گوشوان قرار ندادیم که جلو شرک آنها را بگیري، و کار آنها هم به تو سپرده نیست. [۱۰۷ آ س ۶ اعنام. جزو ۷).

(وَ لَا تَسْبُوا الَّذِینَ یَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَیْسُوا لِلَّهِ عِدُوًّا یَغِیْرُ عِلْمَ کَذَلِکَ زَبَّأَ لَکَلِّ أُمَّةٍ عَلَیْهِمْ ثُمَّ إلی رَهِیمِ مَرَجِهِمْ فَیَنْبِئُهُمْ بِمَا کَانُوا یَعْمَلُونَ(۲۰۸) کسانی را که جز خدا را میپرستند دشنام مدهید، تا ایشان خدای یککارا از روی دشمنی بدون دانش ومعرفت دشنام ندهند! اینگونه ما برای هرامتی کردارشانرا برآرستیم، پس آنگاه بازگشت ایشان بسوی خدای ایشان است تا آگاه کند آنانرا به کارهاییکه می کردند. آیه (۱۰۸) س ۶ اعنام. جزو ۷) (وَ لَوْ شَاءَ رَبُّکَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَآ یَزَالُونَ مُخْتَلِفِینَ(۱۱۸) اگر خدای تو میخواست همه مردم را یک دین و یک دل و یک راه میکرد، ولی همیشه جداجدا خواهند بود، و با هم اختلاف دارند

(درعقیده ومذهب و اندیشه و خرد.)
(وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَکِن یُذْخِلُ مَنْ یَشَاءُ فِی رَحْمَتِهِ وَ الظَّالِمُونَ مَا لَکُمْ مِنْ وَلَیٍّ وَ لَا نَصِیرٍ(۸) اگر خداوند میخواست همه مردم را یک گروه می آفرید، لیکن هر که را که خواهد درپخشایش خویش درمی آورد، و (بدان که) ستمکاران تا گردندگان هیچ یار و فریاد رسی ندارند. آ ۸ س ۸۴ س ۴۲ شوری جزو ۲۷): (وَ لَقَدْ کَرَّمْنَا بَنِي عَادٍ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ قَضَيْنَاهُمْ عَلَیْ کَثِیرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْصِیْلًا(۷۰) مافرزندان آدمی راگرامی داشتیم و آنها را در دشت و در دریا برداشتیم و از پاکی ها و خوشی های روزگار به آنها روزی دادیم و آنانرا بر بسیاری از آفریدگان ما برتری دادیم. آیه (۷۰) س ۱۷ اسراء. جزو ۱۵).

ازبذونامگذاری افغانستان برخطه تاریخی خراسان وتحولات سیاسی و اقتصادی وفرهنگی ونظامی، از زمان شاه شجاع الدوله که آهسته آهسته انگریز خونریز براهمیت سرزمین خراسان روزتاروزپی برد؛ بنا برآن ازیکسو دربی استخدام سران قیابلی پشتون برآمد و ازجانبی انگریزها با بیرون رفتن ازعراق؛ «سید حسن گیلانی مشهور به نقیب صاحب رادرسال ۱۹۰۵ ازعراق به آنطرف دیورندهندوستان انگریزی؛ آوردند. باتبانی امیرحبیب الله حاکم وقت،اورابه افغانستان سکونت پخشید و امیرحبیب الله خان زمین‌های زیادی در شهر کابل و ولایت ننگرهار رابه او بخشید.(?) درسال ۱۹۵۲ روابط خودرا با خاندان شاهی افغانستان با ازدواج بادختربزرگ امیرحبیب الله مستحکم ساخت.»ویکی پدیا دانشنامه آزاد .

درحالیکه همانندمن، هزارها کابلی آواره نیم بسوه زمین ندارد که سرپناهی برای خودساخته و دوباره به مینهن آبابی خود برگردیم. اما آغای حامد جان کزای در بین سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ بیش از هفت میلیارد دالر به برادر احمدزی داد تا بین کوچی ها برای خرید زمین تقسیم نماید.

همچنان خانواده مجددی:(مجمدبها خود را ازاولاد شیخ احمد فاروق کابلی میداندند که درقرن۱۶در جنوب کابل زاده شدودر زمان سلطنت اکبرشاه ازسلسله مغولان هند به آن دیار مسافرت نمود و درطریقت صوفیه مشهور گشت. ایشان خود را منسوب به حضرت‌ها که نسبشان به عمر خطاب میرسد میدانند. ضمناً گفته میشود شیخ احمد سرهندی (ملقب به مجدد الف ثانی) ازهمین خانواده است و خانواده مجددی نام خودرا ازلقب همین شخص گرفته است. درقرن۱۹ م اعضای از این خانواده به کابل بازگشتند و یک مدرسه و خانقاه در شوربازار تأسیس نمودند که بعدها مرکز تأثیرات مهم مذهبی و سیاسی در افغانستان شد. قابل یادآوریست که آقای صبغت الله خودرا پشتون میخوانندواین یک اشتباه آشکارویک سیاست مزورانه و کاذب است .

محمدظاهر شاه قلعه جواد رادر ۱۹۳۶م به این خانواده پخشید و ایشان تا قتل عام عدهٔ زیادی ازخانواده شان به وسیله نظام کمونیستی(اپریل ۱۹۷۹م) در آتجا به سرمیردند. خانواده مجددی همواره با دربارهای شاهی افغانستان وابستگی داشته اندواز طریق خویشاوندی، بیش از پیش با دربار نزدیک و از احترام زیادی برخوردار شدند.

هردوخانوادة روحانی متذکره درهر دوطرف خط دیورند تماس دارند و چنانچه گفته میشود در راه همان برنامه های ناتمام انگریز خونریز تا امروزخدمت می نمایند، که همین روزها شواهدی ازاینکه افغانستان باردیگرتجز به میگردد راهمه لمس می کنیم و آشکارا می بینیم که سرآغاز این کار از هیرمند پایه گذاری شده است . لا وقع الله . (دنباله در صفحهٔ ششم)

**افغان فونديشن تقدیم می کند :**

احمد ولی مسعود رئیس بنیاد شهید مسعود (رح)
**احمد شاه مسعود راهکار ملی و موضع خودمان**
کابل در آستانهٔ سقوط بدست طالبان قراردادداشت تااینکه سرانجام نیرو های جهادی درمقابل هجوم پلان شدهٔ طالبان که باحمایت پاکستان صورت گرفت، ا زشهر کابل به شمال کابل عقب نشینی کردند. شهید احمدشاه مسعود باروحیهٔ کم نظیروینش عمیق استراتژی یکی که داشت به سرعت توانست نیروهای عقب نشسته و وفادارخودرادر قالب “مقاومت ملی” سازماندهی کرده وسد مستحکمی را درمقابل پیشروی سریع طالبان ایجاد کند.

هرچند، طالبان باسربازان بیشتر و تجهیزات کامل، همچنان بالای مواضع مقاومت گران حمله میبردند، اما این باروضعیت جنگی دیگرگون شده بود و بجای اینکه شهرهامیان نیروهای طالبان و مجاهدین دست بدست شود، سنگرها دست بدست میگردید.

به هرپیمانهٔ که طالبان بر مناطق بیشتر تسلط پیدامیکردند، به همان پیمانه ماهیت اصلی آنان وحامیان بیرونی شان روشتر و تنفرمردم نسبت به آنان بیشتر میگردید. این روندبه گونهٔ طبیعی دل ودماغ مردم رابه نیروهای مقاومت نزدیکتر میساخت، درست وضعیتی که آمرصاحب بخوبی آنرادرک کرده بود. پس ازعقب نشینی، آمر صاحب اکنون بیحث رهبرمقاومت ملی به سرعت نیروهای رزمی را با آرایش جدید درچند یلومتری شهر کابل ازدو سرکهٔ بگرام تا محلات گذر وحسین کوت درخطوط دفاعی آماده و جایجا نمود.

من هرازگاهی کنجکاو میشدم که جراداخل شهر کابل نمیشوید؟ در جواب میگفت که ازقطعه نظرنظامی می‌توانیم داخل شهر کابل شویم، اما ازنظرظرفیت دولت داری، آمادگی اداره یک نظام منسجم سیاسی رانداریم. با توجه به تجربهٔ تلخ حکومتمداری دورهٔ رهبران جهادی، وی معتقدبود که اینبار بایک برنامۀ فرآگیر ملی و تیم کارآمد داخل کابل باید شد تا به ادارهٔ مملکت به صورت درست رسیدگی گردد .

دقیقهٔ طی همین سالهای دشوارمقاومت بود که ضرورت تشکیل یک جبههٔ فرآگیرملی رابا آمرصاحب صحبت میکردم، تاهمگام با مقاومت نظامی، صدای مقاومت رساتر گردیده ودرپرتوهمین تلاش، زمینه های تشکیل دولت ملی نیز آماده گردد. سرانجام آمرصاحب براین هدایت داد تا بادعوت ازروشنفکران و شخصیتهای ملی، زمینهٔ یک گفتمان ملی رافراهم نموده و درپرتو همین گفتمان، یک نقشهٔ راه را برای آیندهٔ کشور آماده نماییم. نخستین اقدام برای شروع این گفتمان درخارج از کشور درنیمهٔ اول سال ۲۰۰۱ میلادی صورت گرفت که نزدیک به ۴۰۰ تن ازشخصیتهای برجسته سیاسی و فکری افغانستان، برای مدت سه روزدرلندن گردهم آمدند که بعداً به نام “کنفرانس لندن”، معروف گردید. آمرصاحب از دستاوردهای این کنفرانس به گرمی استقبال کرده ودرسفری که بعداً به اروپا داشت، با بسیاری از آنهاصحبت ودیدار داشت. آمرصاحب ا کنفرانس لندن، به نام “پلی میان روشنفکران ومجاهدین” یادنموده ، نظریات، پیشنهادات و طرح های مطرح شده درکنفرانس رابادقت وحوصله مندی شنیده به تحلیل و ارزیابی می‌گرفت.

درعالم ناباوری تقریباً چهارماه پس از کنفرانس لندن، آمرصاحب به شهادت رسید وبرنامهٔ بزرگ ملی که ایشان به شدت به توسعه آن فکرمیکرد، درنیمه راه باقی ماند. هرچندپس ازشهادت ایشان، مجلس دوم لندن راباجمع بزرگتری که نسبت به آمرصاحب شهید ومقاومت ملی احساس تعلق میکردند، بانگیزهٔ بیشتر وتعهد محکمتربرگزار نمودیم، امابه دلیل نبود رهبرمقاومت درصحنه، وندانم کاری وی برنامگیهاومشکلات فراوان مسئولین پس ازشهادت آمرصاحب، نقشهٔ به جنان وسعت وعمق، برای بازماندگان مسئول قابل فهم و هضم نبود.

تا اینکه در آخرین نشست هیئتی از کنفرانس لندن ومسئولین امور در کابل، پل تازه ایجاد شده میان مجاهدین و روشنفکران ملیگرا درهم شکست وبلافاصله یک تیم محدودخارج نشین از آدرس تکنو کراهای غرب درامان آقای کزی وخلیلزارد، واردصحنهٔ سیاست ونظام کشور گردیده و رشد کردند.

پس ازشهادت آمرصاحب، ازنمایندگی مقاومت درخارج، به کابل برگشتم ودراولین اقدام بمنظوربرکردن خلای بزرگ نبودایشان، تلاش کردم که با تفاهم جمعی از دوستان ابتدا باسازماندهی نیروهای خودی، جریان نهضت ملی افغانستان را ایجاد نمایم. نهضت ملی به گونهٔ وسیع مورداستقبال مردم قرار گرفت وبازتاب گسترده یافت، اما دیری نگذشت که بخاطرسهل انکاربهای خودی، تفاق افکنی حکومت آقای کزی وفقدان تجارب کافی، نهضت نتوانست به حیات خود ادامه دهد.

رویهرفته بالاها م ازافکار آمرصاحب شهید، طرح آجندای ملی را بیحث یک نقشهٔ راه برای آینده افغانستان درمشورت باجمعی از تنخبگان اندیشه ورز کشور آماده ساختم ویا ندوین این طرح خواستم نخست پایه های تیوریک راه حل کشور را آماده نموده وسپس شرایط وامکانات عملی آنرا فراهم نمایم. همچنان طرح مذکوررا منحیث یگانه مرجع اجرایی، به حکومت آنوقت پیشنهاد نمودم. اما مسئولین حکومتی باغنیمت گرفتن فرصتهای جامعهٔ جهانی، متاسفانه سرگرم آجنداهای شخصی وقومی خودبودند و برنامه ها و طرح های ملی را مخالف منافع شان می دانستند.

امروزپس از۱۶سال از ارایهٔ افق دیدگاههای ملی آمرصاحب شهید و اتفاقات پس ازآن، ازیکسودر کمال آرامش وجدانی میتوانم بگویم که گذر زمان، افق دیدگاههای رهبرمقاومت وطرحهای پیشنهادی مان را پیرامون حل بحران افغانستان درست و دقیق ثابت نموده و اگر مسئولین امور، با دیدگاههای ماهمراهی میکردند، بدون تردید بحران چندین لایه امروز دامن گیر مردم افغانستان نمی بود.

ازسوی دیگرمتأثرم ازاینکه هیچگاهی دوستان محاسبت زمان را درک نکرده وهمت به خرج ندادند تاگام موثربرای تحقق دیدگاههای ملی آمرصاحب شهید وطرحهای مان بردارند تا اینهمه زمان رادر غفلت، فرصت سوزی و روزمرگی از دست نمی‌ دادیم .

رهبران سیاسی کشوردرمجموع بیشترازهمه، ازفداکاربهای مردم و فرصت های جامعهٔ جهانی فایده مند شدند تااینکه چیزی برای کشور داده باشند. حتی امروز آنچه باعث استمرار ناامنیهای ثباتی شده، تنها افراطگرایی و تروریسم نیست ، بلکه آشفتگی های سیاسی، روح قدرت طلبی، (دنباله درصفحهٔ ششم)

## داکتر عزیز غوثی : تاریخ افغانستان از ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳

## با سرنوشت هفت پادشاه ما

**برای خوانندگان امید : ۲۵ دالر (شامل هزینه پست)**

The Afghan Foundation, 2242 Peak Place, Thousand Oaks, CA 91362

Telephone: 805 241 0780

عبدالودود ظفري
الميدا - کالیفورنیا

## مبارزهٔ ناکام با تریاک

*–خروج بیش از هفت هزار میلیون دالر به خاطر محو تریاک .*

*–مامورین محلی و مقامات بلند پایهٔ دولت از تولید تریاک مفاد می برند .*

اعظم احمد گزارشگر روزنامهٔ نیویارک تایمز با همکاری فضل از ناد علی و مارجه، و تیمور شاه از گرمسیر افغانستان، گزارشی راز بر عنوان (مامورین افغانستان که موظف به نبرد با تریاک شده اند، از آن سود بدست می آورند)، در شمارهٔ ۱۶ فیروری ۲۰۱۶ آن روزنامه به نشر سپاریده اند. پس از یک تبصرهٔ کوتاه، بر گردان فارسی گزارش تقدیم میگردد.

ولایت هیرمند که درسالهای اخیر بخاطر وسعت ساحهٔ کشت کو کنار، حجم تولید تریاک وهیروین، قاچاق ویدامنی، شهرةٔ آفاق شده، و افغانستان رادر سطح جهان بدنام کرده، درسالهای ۱۹۷۵ تا۱۹۷۸ اثری از کو کنار در آن بویژه در ساحهٔ پروژهٔ انکشاف وادی هلمند، که یک ملیون وسه صد هزار جریب زمین را احتوا میکند، واز دریای هیرمند و بند کجکی سیراب میگردد، دیده نمی شد. بند کجکی که درسال۱۹۵۳ به کمک مالی و تخنیکی امریکا اعمار شد، ظرفیت ذخیرهٔ یک ملیون هفتصد هزار مترمکعب آب رادارد، وبصورت اطمینانی به ساحات سنکین، گرشک، سراج، نادعلی، مارجه، شمالان، درویشان وخاتین آب تهیه مینماید. فریواد در پهلوئی اعمار بند آبگردان کمال خان در نیمروز، بند سلمادر هرات، ظرفیت بند کجکی بانصب دروازهٔ دربر چاпеٔ آن، تا سه ملیون دو صد هزار متر مکعب بالایبرده میشود. امورمقدماتی هر سه پروژه در سال ۱۹۷۶ آغاز شد ولی تجاوز شوروی، جنگهای داخلی، ظهور طالبان والقاعده ودست درازیهای پاکستان و ایران، جریان کار را متوقف ساخت. بندهسلما پس از چهل سال کمال شد، ساختمان بند کمال خان و ازدیاد ظرفیت بند کجکی تحال پا در هوا می باشد.

درسالهای پیش از کودتای ثور(۱۹۷۸)، دهقانان پروژهٔ انکشاف وادی هلمند سالانه هزاران تن گندم، جوار، تریوز، میوه، سبزیجات، پنبه به بازارهای داخلی عرضه میکردند، درسالهای خشکسالی پروژهٔ هلمند در کاهش مشکلات غذایی کشور کمک زیاد می نمود. از نا آرامیهای پس از کودتای ثور تا امروز ونسبود امنیت، دهاقین ولایت هیرمند را از کشت نباتات معمول طرف احتیاج جامعه، به کشت نبات غیرقانونی کو کنار جلب نمود. بهای بلند تریاک وهیروین درجهان، اکثریت ساحات تحت پروژهٔ هلمند به تدریج به کشت کو کنار تخصیص داده شدند، وهرسال تولید تریاک قوس صعودی پیمود تا جاییکه درسال۲۰۰۷ افغانستان ۹۲ درصد تریاک جهان را به ارزش چهار میلیارد دالر تولید کرد، که قش ولایت هیرمند در آن بسیار برجسته بود. اگر اندکی از آن عواید بزرگ به جیب کشاورزان افتاده باشد، قسمت اعظم راقاچاقیران داخلی وخارجی، طالبان و مامورین محلی و بلندمقام دولت در کابل قاپیدند.

تا وقتیکه کشاورزان، طالبان و مامورین دولت از تولید تریاک سود کلان بدست می آورند، راهی وجود ندارد تا کشت کو کنار محو شود یا حداقل کاهش بیابد. فقط یکسال کشت کو کنار در اثر هدایت شدید ملامعر کاهش یافت که طالبان قادر شدند تریاک ذخیره شده را به قیمت بلند بفروشند.

دستگاه عرضی وطویل بنام وزارت مواد مخدر، مانند شورای عالی صلح ! ! که در طی چندین سال به غیر از ضیاع وقت، مصرف پولهای گراف و گول دادن مردم دستاوردی نداشته است، یک وزارت نا کاره وی هوده میباشدو تنها شماری زراندوزان حریص از همین راه ملیون نشده خواهند شد.

دیده میشود برای محو کو کنار و قاچاق تریاک وهیروین ارادهٔ محکم وجود ندارد، حکومت کرزی میدانست که فعالیتهای تخریبی و قتل وقتال طالبان از راه فروش تریاک تمویل میشود، اما جز حرف، هیچ برنامهٔ واقعی برای محو آن نداشت، اکنون حکومت احمدزی هم بخاطر حمایت از طالبان، کار مؤ ثری درین باره نکرده ونمیکند. اینک بر گردان گزارش نیویارک تایمز تقدیم می گردد:

\* \* \*
امریکا در ۱۴ سال گذشته بیش از ۷ میلیارد دالر برای محو تولید تریاک در افغانستان، که بزرگترین نوع Brand در جهان شناخته میشود، مصرف کرد. ده ها میلیارد دالر دیگر در برنامه های حکومت بخاطر ریشه کن کردن فساد اداری و تریهٔ پلیس قابل اعتماد هزینه نموده است. دالر های بیشتر دیگر و هزاران انسان در جنگ تلف شدند تا حکومت افغانستان را در قدرت نگهدارد که بتواند قانون رادر کشور حاکم سازد. ولی در یکی از چند گوشه های آرام و امن ولایت هیرمند که تحت کنترل قطعی حکومت میباشد، بته های کو کنار بایندک ها و گلگهای شگفته در چشمرس عمارات رسمی حکومت قد کشیده و خود نمایی می کردند. در ولسوالی گرمسیر هیرمند نه تنها کشت کو کنار تحمل میشود، بلکه یک منبع پولی میباشد که حکومت محلی از طریق اخذ مالیه بدان وابسته میباشد. مامورین حکومت همانند طالبان، از کشاورزان کو کنار زیرساحهٔ کنترل خود مالیه می گیرند ! بخشی از آن مالیه به سلسله به مقامات بلند حکومتی در کابل میرسد تا مقامات محلی اطمینان حاصل کنند که از کابل حمایت میشوند و کشت کو کنار ادامه می یابد. ولسوالی گرمسیر مثالی میباشد که دخالت مامورین رادر کشت و تجارت تریاک نشان می دهد .

در سفرهای بار بار به افغانستان، کشور کو کنار در سال گذشته ومصاحبه های متواتر با کشتکاران کو کنار، بزرگان محل، مامورین افغانی و غربی، این حقیقت یخویی آشکار شد که اگر حتاحکومت که از حمایت غرب برخوردار میباشد، در کار خود توفیق یابد، کشت کو کنار ادامه می یابد. مامورین حکومت افغانستان بیش از هر وقت دیگر، بصورت مستقیم در تجارت(قاچاق) تریاک دخیل بوده و در رقابت با طالبان در ماورای سیاست، برای کنترل قاچاق واخذ مالیه از تریاک در تقلا میباشدند. در سطح محلات نزاعها در میان گروهها اکثرا به جنگ واقعی منجر میگردد و حتایای دسته های سربازان امریکابه طر فرداری مامورین دویاره به جنگ کشانده میشود. این واقعات بیشتر در ولایت هیرمند به وقوع میرسد. منز فیلد، یک پژوهشگر که چندین پژوهش رادر پانزده سال گذشته درساحه، در مورد تریاک افغانستان انجام داده است، ادعا میکند: (مراحلی وجود دارد که همدستی مامورین حکومت رادر جرم نشان میدهد که اول سازش وهمکاری با دهقانان میباشد، پسائتر تمام کار رادر اختیار خود گرفته وبه غارت میپردازند.) ! افزایش تولید تریاک چندسال پیش زمانی صورت گرفت که طالبان با استفاده از آن بغاوت نو خود را آغاز کردند، مهمات، مرمی، بمب ووسایط خود را خریدند. درسالهای اخیر طالبان ساعات زیاد کاری خود رادر هر مرحلهٔ به تجارت تریاک وقف کردند. در حقیقت این کار با تکیه کلام مامورین غربی و افغانستان ارتباط دارد که گفته اند: (زمانی که امنیت بهبود می یابد، زمینهٔ کاهش تریاک آسانتر مساعد می شود.)

از ینکه حکومت افغانستان اکنون در نبود پیروزی قابل اعتماد اقتصادی در تجارت تریاک رقابت می نماید، در ماورای مرز های افغانستان تأثیر وارد می کند. حکومت های منطقه در تقلائی حل مشکلات صحنی و امنیتی می باشند که در اثر افزایش صدور تریاک بوجود آمده است. در حالیکه تجارت تریاک در افغانستان شکل منظم اختیار کرده، تلاش های چندین ساله به ضد فساد، کم اهمیت شده، و اهمیت تریاک به صفت یک منبع بی ثباتی، جرایم و توطئه در منطقه دایمی شده است . (دنباله در صفحهٔ هفتم)

داکتر احسان انتظار

م

دوستو \_ کالیفورنیا

### در بارهٔ فرهنگ (۶)

هدف دیگر این کمپاین پشتو نسازی، پاک سازی زبان پشتو از کلمات خارجی بود. برای نپل به این هدف مؤسسهٔ بنام پشتو تولنه درسالهای ۱۹۴۰ تأسیس شد، وصدیق الله رشتین رادر رأس آن قرار دادند، که بایک تعداد اعضاء به کار آغاز کردند. هدف از ین پاکسازی دور ساختن کلمات ترکی ودی از زبان پشتو بود. در کابل ودیگر ولایات با استفاده از نام شعرا وزمامداران پشتون بعضی اسمای خاص و تمام دری نام ها تغییر کرد. (خوشحال خان مینه)، (وزیر اکبر خان مینه)، (میرویس میدان)، همچنان اسمهای عام دری چون کتابخانه، شفاخانه، دواخانه وزایشگاه بالترتیب به (کتابتون، روغتون، درملتون، و زیژتون) مبدل شد. به همین ترتیب کلمات ترکی مثل قره تپه به تورغندی درسرحدافغانستان و ترکمنستان، و سیزوار به شیدند در ولایت هرات تغییر نام داده شد. در شمال افغانستان نیز کلمات ترکی به زبان پشتو ترجمه ونامگذاری گردید، و جان مطلب در ین است که کلمات خارجی دیگر از زبانهای عربی، اردو، انگلیسی وغیره بحال خود باقی ماند !

\_ اما این کار نه تنها در دسر برای اقلیتهای تاجیک، اوزبک، هزاره و غیره خلق کرد، بلکه برای پشتوزبانان (اطفال و بزرگسالان) جنجال بر انگیز گردید. همه پشتونهایه کلمات شفاخانه، کتابخانه وغیره آشنا بودند، اما کلمات روغتون، کتابتون وغیره به مثابهٔ کلمات جدید بود که باید می آموختند.

\_ طراحان این پالیسی پاکسازی زبان از ین حقیقت آگاهی نداشتند که هیچ زبانی صد درصد عاری از کلمات خارجی نمی باشد، و کوششهای که در ین زمینه در اروپا ودیگر مناطق جهان صورت گرفت، نا کام و بی نتیجه بود. طور مثال، ایرانی هایک زمانی خواستند کلمات عربی را از زبان خودشان بیرون کنند، اما به نا کامی منجر شد. کلمات عربی از دروازه بیرون شد، مگر کلمات فرانسوی مثل (مرسی= تشکر)، (اسانور= لفت)، از کلکین داخل گردید.

کلمات خارجی بازن طریق ترجمهٔ وامی Loan Translation یا وامگیری کلمات Loan Words داخل یک زبان میشود. مثلاً وقتی که افغانهاو ایرانیها به (بایسکل) آشنا شدند، یکی از روش اول (ترجمه) آنرا (دو چرخه) نامید و دیگری از روش وامگیری کار گرفته آنرا (بایسکل) نام نهادند. اما نباید فراموش کرد که وقتی کلمات خارجی در یک زبان به شیوهٔ دومی داخل میشود، باید طبق قواعد فونالوجی(اصوات) تغییر تلفظ نماید، مثلاً کلمهٔ standard در زبان دری /فارسی (استندرد) میشود، دلیل آن هم اینست که در فونالوجی دری دو حرف کانسونت بیهم قرار گرفته نمیتواند و باید یک vowel در آن اضافه شود. به همین ترتیب وقتی کلمهٔ فارسی / دری (پاجامه) داخل زبان انگلیسی شد، آنرا pajama میگویند که فشار صدا در سیلاب دوم است، اما در زبان دری / فارسی فشار صدا در سیلاب اخیر میباشد.

\_ خلاصه آنکه همانطوریکه خارج ساختن کلمان دری و ترکی از پشتو غیر علمی ومغایر اساسات علم زبانشناسی است، بیرون کردن کلمات پشتو از زبان دری نیز نادرست وغیر علمی میباشد. مثلاً کلمه پوهنتون اکنون جزء زبان دری شده، بطوریکه حتی اشخاص بیسواده آن بلد بت دارند، اما کلمهٔ دانشگاه برای آنها نامأنوس وغیر آشنامیباشد. این عمل آظوریکه بدان اشاره شد، جزء تعصب قومی وزبانی چیز دیگر نیست که به وحدت ملی صدمه رسانده جارو جنجال خلق میکند.

\_ همچنان بعضی زمامداران پشتون در افغانستان کوشیده اند تا زبان پشتو را به مثابهٔ یگانه زبان رسمی برمردم تحمیل کنند. در رادو افغانستان کوشیده اند تا زبان پشتو را به مثابهٔ یگانه زبان رسمی کشور برمردم تحمیل کنند، در رادو افغانستان اخبار اول بزبان پشتو وبعد به زبان دری پخش میشود، باوجودیکه اکثریت افغانها به این زبان تکلم نمی کنند. پشتوسازی لوحه ها ومکاتبات رسمی از وزارت هایک زمانی مثل کورسهای پشتو اجباری ساخته شده بود. روزنامه های هیواد و اصلاح هر دو به زبان پشتو بود، نشریه های دری چون اینس مجبور بودند بعضی مقالات را به پشتو بنویسند، تذکرهٔ نفوس و سرود ملی هر دو به پشتو بود .

\_ بیانه های مامورین عالیرتبهٔ دولتی نیز باید همه به پشتو می بود. یگانه مامورین عالیرتبه که این اصول راز بر پا میکردند (ذات شاهانه، داوودخان و چند تن دیگر بودند که همیشه مردم را به زبان دری خطاب میکردند. ظاهر شاه، داوودخان وغیره خاندان سلطنتی باوجودیکه پشتون بودند، در خانه وبامردم به زبان دری صحبت میکردند نه به زبان پشتو .

یکی دیگر از کمپاین پشتو نسازی Pashnization که تسلط پشتونها را بر غیر پشتونها در افغانستان بیشتر ساخت، تأسیس پوهنتون ننگرهار بود، تا آن زمان غیر از کابل در هیچیک ولایات کشور پوهنتونی وجود نداشت. این پوهنتون دارای دو هدف عمده بود: یکی آنکه استادان غیر پشتوزبان را از تدریس در آن محروم سازند زیرا از زبان تدریس در آن پشتو بود. هدف دیگر آن میسر ساختن تحصیلات عالی بیشتر به پشتوزبانها. جالبتر اینکه پشتو زبانهای که در کانکور پوهنتون موفق نمیشدند به پوهنتون شامل میشدند و بعد از یکی دو ماه خود را به پوهنتون کابل تبدیل میکردند.

کودتای ثور ۱۳۵۸ به اکثر این پشتوبازی ها پایان داد، وضعیت زبان گرای تا اندازهٔ بهبود یافت. کورسهای پشتوی اجباری منحل شدو اقلیتها توانستند به زبان مادری نشرات داشته باشند واطفال تحصیلات ابتدایی رازبان مادری تکمیل کنند. این امر بیشتر در مورد هزاره ها تحقق پیدا کرد.

شرایط زبانی بارو بکار آمدن حکومت کرزی در سال ۲۰۰۱ بیش از هر وقت دیگر بهبود یافت. در قانون اساسی جدید همه زبانهای افغانستان به رسمیت شناخته شد، این امر سبب شد تا اقلیتها بزبان مادری تحصیلات ابتدایی راتعیب کنند وبه زبان مادری نشرات رادیویی وتلو بیزبونی داشته باشند. همچنان برای اولین بار در تاریخ افغانستان اوزبکها و ترکمنها ودیگر اقلیتها کتب درسی دورهٔ ابتدایی را به زبان مادری در اختیار اطفال خود قرار دهند .

\_ قابل تذکر میباشد که تهیهٔ کتب درسی بزبان مادری در دورهٔ ابتدایی از نگاه تعلیم و تربیه اهمیت بسزا دارد. اما تهیهٔ کتب درسی به اساس این موازین مستلزم تحقیق وریسرج بوده زمانگیر میباشد، که در مدت چندماه امکان پذیر نیست. شاید کتب درسی بزبان اوزبکی در مناطق شمالغرب ازازبکستان وارد شده باشد وباز آن کاپی شده باشد، که کار درست نیست، زیرا شرایط افغانستان ازبکستان ازهم فرق دارند. کتب درسی باید مطابق اوضاع اجتماعی، سیاسی، جغرافیایی واتاریخی یک کشور باشد.

\_ بالاخره به ارتباط پشتو نسازی باید از تغییر سرحدات ولایات کشور یاد آور شد. درسالهای ۱۹۶۰ که داکتر عبدالقیوم وزیر داخله بود، در سرحدات ولایات تغییرات عمده وارد شد، یک ولایت به چندین ولایت منضم گردید، ولسوالی به ولایت ارتقا داده شد، بدون آنکه معیارهای تغییرات مشخص شده باشد و با باملت شریک ساخته شود.د. این تغییرات دارای دوهدف عمده بود: یکی تجزیهٔ هزاره جات بزرگ ودیگر تزبید تعداد ولایات پشتوزبان، خاصتا در جنوبغرب و شرق کشور. بعض مناطق هزاره نشین جزو لایات پشتوزبان چون هیرمند و ارزگان ساخته شد. بعض دیگر چون سرخ پارسا به ولیات پروان، وهمچنان یک تعداد دیگر هزاره نشین هامربوط ولایت جدید تشکیل میدان وردک گردید. بامیان یگانه ولایت هزاره نشین باقی ماند. در جنوبغرب (دنباله در صفحهٔ هفتم)

عبدالخالق بقایی پامیرزاد

## بلخ را ارج می گذاریم

فصل بهاران را با نوروز به تکریم می نشینیم، به مادران و زنان قهرمان افغانستان وجهان درود نثار می کنیم وسر تعظیم فرود می آوریم ! حلول پریمینت سال نو وبهارنو ۱۳۹۵خورشیدی را از صمیم قلب به شامبار کباد میگویم، سلامتی و سعادت همه را از بارگاه الهی بدست دعا نیاز میکنم. آروز مندم آفریدگار معجزه فرماید ودست دشمنان دوست نامارا از سرزمین ما کوتاه سازد و دزدان مال و ناموس مردم را به زیرافکند و کیو تر صلح در آسمان نیلگون کشور ما به پرواز آید و مردم بعد از سالها جنگ وخونریزی نفس راحت بکشند وبه زندگی آرام وصلح آمیز دست یابند.

در آغاز یک اندرز حکیمانهٔ جداعلامی زبان فارسی، ابوالقاسم فردوسی را که با بهار و شرایط فعلی کشور ما رابطهٔ منطقی دارد، پیشکش حضور شما می کنم:

ز دل هاهمه کینه بیرون کنبد
به مهر اندرین کشور افزون کنبد
بکوشید خوبی به کار آورید
چو دیدید سر ما، بهار آورید
ز خون ریختن دل بیاید کشید
سری گنـــــاهان نباید برید
نه مردی بود خیره آشوفن
به اندر آورده را کوفتن
بسی رنج بردم درین سال سی
عجم زنده کردم بدین پارسی
بلی دویستان ارجمند !
نوروز یافصل بهار معجزهٔ عظیم طبیعت است، با خلقت جهان پایه پای تمدن انسانی شکل گرفته ورابطهٔ اورگانیک و تنگاتنگ ومنطقی باهدیگر دارند. نوروز وسال نو به انسان درس معنویت ودرس زندگی شرافت مندانه و کار و کوشش ومبارزه رادر راه ادامهٔ حیات میدهد، ونیکی ها، خوبی ها وهمه ارزشهای متعالی را به بشریت روی زمین القاء میکند.

نوروز وسال نو ویژدگیهای خاصی خود را دارد، مثلاً مافوق همه قدرت تهای روی زمین است، چون آفتاب بر همگان می تابد، چون باران بر سرهمگان میبارد، نه مال شرق است ونه ازغرب، نه از اسلام ونه از یهود. به هیچ قوم وقبیله تعلق ندارد، سرمایه وتحفهٔ گرانبها وجهان شمول میباشد. به عباتر دیگر دیباجهٔ سبز اوراق کتاب تعلیم طبیعت محسوب میگردد. نیاکان پاک نهاد وغیور ما سرزمین خویش به پاس ارزشهای کشت و کاری یعنی کاشتن وشخم زدن زمین به منظور بدست آوردن نعمات مادی ومعنوی حاصله از آن، حقیقت تجلیل آترانشاخشند وبدین ترتیب نوروز خوش آیین را به ما به یادگار ماندند. نوروز از آیین نامه هایبست که افتخارزایش وبرورش تمدن بشری رادر آغوش دارد، وفرهنگ آن به روح جوامع مبدل گشته ودر هر دورهٔ انگیزهٔ به حرکت در آوردن آن در ادبیات وفرهنگ غنایمند وبربار ما ماندگار شده ودر همه کشورهای حوزهٔ تمدنی ما براهمیت وضرورت وحرمت گزاران به آن صحه گذاشته شده است.

داستان کینه توزی با نوروز، این بدیدهٔ شگرف خلدواندی به نخستین هجوم اعراب برسرزمین مامیرسد. خلفای اموی وعباسی بنابر مقاصد ومنفعت شخصی ،تحلیل از ین روز مبارک وخجسته راحرام شمردند، واین امر درجهان اسلام جنجالهایی خلق کرد و اسلام سستی از تحلیل نوروز اباء ورزید، که نمونه هایش امروز در همه بلاداسلامی وسرزمین عزیز ما به ملاحظه میرسد.

آری بایان کار آگاه و کار دوست وعلم دوست اولین بار جلوه های طبیعت را به جهانیان به ارمغان دادند. افتخار استفاده از ثروتها ونعمتهای روی زمین وزیرزمین وهمچنین استفاده از آهن وفلز به منظور ایجاد صنایع وبیشرفت وترقی به دورهٔ آری بایان میرسد، چنانکه آنها یکا پرستی رانیز به جهانیان شناختانند.

آروز مندم همه مردم جهان به پاس حرمت نوروز خانهٔ فکرو قلبهای شانرا شستشو وبکیزه دارند وهمه بپشتی هاوزشی هارابه زبانه دان تاریخ تحویل بدهند واز اندر زهای بهاریاموزند ومستفیدشوند. از علماء دانشمندان، نویسندگان، شعر، فرهنگیان، کشاورزان ودهقانان، مالداران، باغداران، زمین داران میخواهم به اصل ماهیت وحقیقت نوروز این یادگار بزرگ و تاریخی پادشاه خاندان پیشدادیان بلخ جمشید یا (بنا) بیندیشند بقول استادفقید داکتر پروفیسر عبدالاحمد جاوید،

ا بر شوند و باران شوند.

درینجا لازم به تذکر میدانم که بلخ برین این افتخار سترگ تاریخی رانیز دارد که متفکر مذهبی جهان چون زردشت رانیز در دامان مطهر خود پروریده است. زر دشت در بلخ به دنیا آمدوبه روایت معتبر در سیستان پخاک سپرده شده است. (۱) در بایان به آتهایی که سرزمین مارا مال ملک شخصی خود میندازندو سربه سنگها میکوبند، خاطر نشان میکنم که این وطن وهمه ثروتهای مادی ومعنوی اش با رجال وهمه شخصبتهای نامدارش و آنچه در روی زمین وزیرمین است، منحصر به یک قوم وقبیله نبوده، بلکه برای تمام ساکنین آن که در یک سرزمین واحد زندگی، کار ومبارزه نموده ودر دفاع از آن در برابر دشمنان مال وناموس شان، یکسان خون داده اند، تعلق دارد.

دوستان به اینصورت می بینیم که سرزمین افسانوی ومقدس بلخ در تاریخ بنام های بخدی، باختریش، بلهیکا، باختر وغیره یادشده و به القایی چون بلخ بامی، بلخ بیهه، بلخ الحسنا، بلخ گرین، شهری بادفش های افراشته، ام البلاد، خیرالتراب، قیته الاسلام خوانده شده است. قدما در کتب معتبر بلخ را نکین ومروارید خراسان نیز گفته اند.

درینجا به پایان گفتمان نزدیک میشویم ودرمی یابیم که سرزمین مقدس و باستانی وداستانی ما در طول تاریخ پراز فرود وفرزش بالترتیب به نامهای آریان، آریانا، آرینه، باکتریا(باختر) گندهارا، خراسان، کابلستان، زابلستان،روه، ترکستان وپشتونخوا نامیده میشده وسرانجام رسماً بنام افغانستان قبولی وعزت یافته است ودر کتیبه های تاریخی (آریانا یچه) را سرزمین نجبا وزادگان نیز گفته اند. (۲) اینک دو بیت نمونه از شعر مرحوم قاری عبدالله دانشمندسترگ کشور وملک الشعرا ی پیشین راخلصت تان پیشکش میکنم و کلام خود را ختم می کنم :

وطن ای نکو نامت افغان ستان
هوایت خوش ومنظرت دلستان
روان بخش دلهاست بوم وبرت
سر السفت ما وخاک درت

۱- حدود چهارسال قبل کنفرانس جهانی زردشتیان جهان در سویدن دایر گردید. نگارنده ودون تن از افغانهای دیگر در آن به قسم شاهد اشتراک کردیم، نمایندهٔ افغانستان مجاور احمد زربوود. در بایان کنفرانس به اتفاق آرا قبول شد که زردشت در بلخ به دنیا آمد ودر هیرمند افغانستان که در آن وقت سیستان یادمی شد، پخاک سپرده شده است.

۲- به ارتباط سرزمین نجبا وزادگان به اوستا کتاب معتبر وسند تاریخی استاد فقید پروفیسر داکتر اکادمسین عبدالاحمد جاوید مراجعه میکنم وتحایفی را به نقل از آن تقدیم حضور تان مینمایم (صفحهٔ ۱۰) :

دقیقی وسنایی خود را از تبار آزادگان میخواند ودر مقام تفاخر می گویند :
من جاه دوست دارم، کازاد زاده ام
آزاد زادگان بجان بفروشدنجاه را
گر بد کنند با ما ما نیگویی کنیم
زیرا که پاک نسبت وزاد زاده ایم
بلی عزیزان ! صدای انسان شناسی مولانای بلخ دراکناف عالم ظنین افکنده ودرجهان غوغا بر پا کرده است. /

\*\*\*\*\*

**امید را برای دوستان تان اشتراک کنید.**
**مطمئن باشید از شما ممنون می شوند .**

## پروفیسر داکتر عبدالواسع لطیفی صفحاتی از یک زندگی پر نشیب و فراز در وصلت وطن و در غربت هجرت (بخش ۱۶)

دل می رود ز دستم صاحب‌دلان خدارا دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا نخستین عشق و ازدواج در دورهٔ تحصیل: وقتی دورهٔ دوازده سال مکتب به پایان رسید و دیپلم بکولریا را بدست آورده، داخل فاکولتهٔ طب کابل شدم، بانگیزهٔ پر هیجان علائق و میلان واحساسات طبیعی که خاصهٔ این دورهٔ پر شور زندگی و عبور به مرحلهٔ آرزوها و رویاهای جوانی میباشد، جسته جسته راجع به ازدواج و تشکیل خانواده و متعلقین و انتخاب همسر آینده ام، نقشه ها و خیال پردازی های گوناگون و بوقلمون، در مخیله و شعایریم راه می یافت، و در عین زمان به تاسی از الهامات و انتباهاتی که مطالعهٔ رومانهای عاطفی و عشقی و مشاهدهٔ بعضی فلمهای پراحساس، در ملکات درونی و شعایریم بجا گذاشته بود، باخود میگفتم چقدر نیک و عالی و دلپذیر خواهد بود اگر همسر زندگی ام یک دوشیزهٔ عقیقه و نیک سیرت و خوب صورتی باشد که او راز دل و جان دوست داشته باشم، و در همهٔ امور زندگی باهم توافق نظر و همنوایی اخلاقی و عاطفی داشته و شریک موفق در امور زندگی و دوستانار همدیگر، و قبل از رسیدن به مرحلهٔ نکاح و عروسی، با کرکتر و سطح نظرو موقف اجتماعی همدیگر آشنا باشیم ... از قضا در مسیر همین اندیشه ها و نیاز مندیهای بحر حرارت بود که به یک دختر نیک سیرت و پاکیزه صفت علاقمند شدم که جزء اقارب نزدیک، و فرد فرزانهٔ فامیلش بود. در همین احوال قلباً و روحاً مستشرف شدم که علاقه ام به او در هر دید و باز دید عادی فامیل بیشتر میشود، و در برخورد نگاه معصومانه و پر خلوص او، دلم به تیش میآید و احساس میکردم که انعکاس یک بیت ماندگار حافظ حالت پر هیجان و پراحساس صفحهٔ نوزدگی ام را که تا آنوقت تنها بر وی خودم کشوده شده بود، نمودار می سازد:

دل می رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا بهر حال، من در اعماق روح و روان خود با تمام کویف، عاشق و گرویدهٔ حسن رفتار و مروودات خانوادگی و صحبت گرم و دلنشین او گردیدم ... در همین احوال که من مصروف تحصیل در صفوف اول فاکولتهٔ طب بودم، اطلاع یافتم که بخاطر گلودردی (التهاب تانسل ها) در شفابخانهٔ مستورات توسط مرحوم استاد نوروز علی متخصص امراض گوش و گلو تحت عملیهٔ جراحی قرار گرفته و دورهٔ قناعت رادر خانه سپری می کند. فوراً به عیادتش رفتم، بعد از احوالپرسی با کنشاده رویی از مصروفیت مطبوعاتی ام و نشر شمارهٔ جدید مجلهٔ ژوندون که پدرم مرحوم عبدالباقی لطیفی اولین مدیر مسئول آن بود، جو یا شد. قبل از اینکه به سئوالش جواب بدهم، در همان لحظه چشمم به یک جلد مستعمل دیوان حافظ شیراز افتاد که در طاقچهٔ اطاقش جلب نظر میکرد فی البدیهه در حالیکه صدایم کمی ارتعاش داشت، گفتم تا وقت به دست آوردن شمارهٔ جدید ژوندون، مطالعهٔ اشعار زیبا و رنگین حافظ نیز خیلی سرگرم کننده و الهام بخش است. بعد بدون درنگ و تأمل، دیوان شاعر شیراز را با ادب و محبت گرفتم و پس از دعا و درودی در دل خود، نیت فال حافظ کردم و با خود گفتم هر چه در دیوان لسان الغیب خود حافظ صاحب‌دل و شیرین سخن فالم را بر ملا میسازد، همان نیاز دلم در حرم چنین محبت سربه مهر خواهد بود. در حالیکه سایر حاضرین مصروف صحبتهای دیگری بودند، بطور قرعه دیوان را کشیدم و این ابیات جاودانه که بعدها صد هاسته تیه در تنهایی های خود خواندم و حفظ کردم، پیش چشم حیرت زده ام پدیدار شد و بعد در حیات زناشوری ما به یادگار ماند:

ای هدهد صبا به سبا می فرستم  
بنگر که از کجا به کجا می فرستم  
حیف است طایری چو تو در خاکدان غم  
زین جا به آشیان وفا می فرستم  
در راه عشق مرحله قرب و بعد نیست  
می بینمت عیان و دعا می فرستم  
هر صبح و شام قافله‌ای از دعای خیر  
در صحبت شمال و صبا می فرستم  
تا لشکر غمت نکند ملک دل خراب  
جان عزیز خود به نوا می فرستم  
ای غایب از نظر که شدی همنشین دل  
می گویمت دعا و ثنا می فرستم  
در روی خود تفرج صنع خدای کن  
کاینهٔ خدای نما می فرستم  
تا مطربان ز شوق منت آگهی دهند  
قول و غزل به ساز نوا می فرستم  
ساقی بیا که هاتف غییم به مزده گفت  
با درد صبر کن که دوا می فرستم  
حافظ سرو دمجلس ما ذکر خیر تو ست  
بشتاب هاں که اسب و قیامی فرستم

صفحهٔ الهام بخش فال حافظ را نتوانی کردم و در وقت خدا حافظی، با ادب و صفای نیت بدستش دادم و آهسته گفتم: من از دل و جان گرویده و منتقد فال حافظ هستم! همیشه امیدوار کننده و شفا بخش است، خواندن فال امروزی که من صفحهٔ آنرا نتوانی کرده ام، برای هر دوی ما دلپذیر خواهد بود... دیوان لسان الغیب را سادگی و بدون اینکه به گفتار پرتب و تابم التفات خاصی کرده باشد، از دستم گرفت و در جای اولی اش روی طاقچه گذاشت، و به همه عیادت کنندگان که در حال خدا حافظی و بر آمدن بودیم، اظهار امتنان کرد ...

وقتی از خانهٔ آن موجود رویایی و الهام بخشم بیرون آمده روانهٔ منزل شدم، برای نخستین بار خاطرهٔ نگاه معصومانه ولی پرتابانه و پر کشش او تار و بود وجودم را در حرم محبتش به نوا آورد، و این شعر مولانا با حقیقتش حالتی را بر ملا ساخت:

علت عاشق ز علت هاجد است عشق اصطرلاب اسرار خداست  
و ابیات عشقی شعرای دیگر نیز بی دربی در مخیله ام روشنی نشاط بخش می انداخت... مانند این شعر ماندگار عطار که دوست و همصنفی زمان مکتبم داکتر عبدالغفور روان فرهادی در مقالهٔ عالمانه خود زیر عنوان (عشق از نگاه عطار) در جریدهٔ وزین امید به نشر رسانید:

بملازمین وادی عشق آمد پدید غرق آتش شد کسی کاینجا رسید  
کش درین وادی بجز آتش مباد زان که آتش نیست عیشش خوش مباد  
عاقبت اندیش نبود یک زمان در کشد خوش خوش بر آتش صد جهان  
نیک و بد در راه او یکسان بود خود جو عشق آمده، نه این نه آن بود  
واز کتاب شعرو سرود داکتر رستگاران مصرع راز مزه کردم:

چشم دل بازن کن که جان بینی آنچه نادیدنیست آن بینی  
گر به اقلیم عشق روی آری همه آفاق گلستان بینی

بهر حال، هنوز تحصیلات فاکولته رابه پایان نرسانده و در صنف سوم فاکولته طب بودم که محفل ساده و کم خرج ولی پراز صمیمیت و توافق و همسرنگی عقد نکاح و عروسی ما با همین دختر پاکیزه سرشت، در حضور جمعی از اقارب

## داکتر عنایت الله شهرانی تاریخچهٔ مختصر هنر در افغانستان (۱)

در تاریخ درخشان مملکت عزیز ما هنر مندان زیادی حیات بسر برده و فعالیتهای چشمگیری در قسمت هنرهای نقاشی، هیکتراشی، صنایع مستظرفه، صنایع دستی، معماری و مهندسی و غیره انجام داده اند که کثرت و تعدد شواهد هنری شان باعث افتخارات مامی باشد.

پیش از آنکه موزیم ملی افغانستان غارت و تاراج گردد، نمایانگر و باعث اثبات نظر فوق میگردد، همچنان نمونه های نقاشی و صنایع دستی مردم هنر پیشهٔ افغانستان سبب زیب بسیاری از موزیمهای دنیا شده بود.

آثار هنری که از کشف استوئیه بودا در تپهٔ سردار بدست آمد، تاریخ هنر کشور ما را کهن تر و غنی تر جلوه میدهد. این استوئیه که در خلال حفريات سال ۱۹۵۹ بواسطهٔ باستانشناس ایتالوی صورت گرفت، بزرگترین ستوئیهٔ دورهٔ بودایی افغانستان بشمار میرود. در طلائیهٔ ولایت جوزجان که از شش قبربیش از بیست و یک هزار اثر طلایی بدست آمد، نمایانگر قدرت هنری سه و نیم هزار سال قبل ما را بیان میسازد. هم چنان مجسمه های بزرگ بودا که وقتی بانورهای سرخ و سبزه شان کوه و برزن با بامیان را نور افشانی میکردند، نمونه های هنری مردم ما را نمایان ساخته اند.

به اثر کاوشهای ایتالویها یکمعداد از افتخارات هنری دورهٔ غزنویان کشف شد که معرف هنری آن عصر بشمار میرود. در بار محمود غزنوی و در بار اخلاف او نیز مملو از تزیینات، جواهرات کاری، نقاشی و تذهیب کاری بوده که توسط هنر مندان ماهر آن عصر انجام یافته است.

در دورهٔ تیموریان هرات (قرن نهم هجری) فعالیتهای زیادهنری صورت گرفته و مردان نامی در آن زمان ظهور نموده اند. استاد کمال الدین بهزاد مؤسس مکتب نقاشی هرات و میرعلی هروی از بزرگترین خطاطان و معروفترین آن عصر بشمار میروند که به تشویق شخص پادشاه عالیجاه تیموری سلطان حسین باقرا و همکار ملاوم او امیرعلی شیرنوا بی نه تنها در ساحة هنر هرات امر کز هنری خراسان زمین ساختند، بلکه مهده علم و دانش نیز گردانیده بودند. هنر معاصر افغانستان بعد از آغاز حکومت امیر امان الله خان رونق خوبی یافت.

هنر قدیم قبل از اسلام: اولین دورهٔ تحقیقات اریکاویژیک غیر رسمی در افغانستان در سالهای ۱۸۲۳ و ۱۹۲۲ خاتمه می یابد. علمای این دوره که یک قرن را وقف تحقیق خویش قرار دادند، عبارت از علمای انگلیس میباشند و به استناد این گفته طوری که در آریانا دایره المعارف و نوشته های استاد علمای آمده، که سیاحین اروپایی مخصوصاً انگلیس بودند و غالباً نظریات و اندوخته های این گروه خط السیر محققین و کاوشگران دیگر انتخاب گردید. درین سالهای ۱۸۲۴ و ۱۸۴۲ میتوان اشخاص ذیل را نام برد که در تحقیق موضوعات باستانی و وطن ماقش عمده داشتند:

مور کرافت Moorcraft، تری بیگ Trebeck، کورت Court، چارل میسن Charl Masson، جرارد Gerard، و هانگ برگر Hong Berger؛ و درین سال های ۱۸۷۸ و ۱۸۸۵ اشخاص ذیل را میتوان نام برد، یات Yate، دبلیو سیمپسن W. Simpson، کپتان تلوت Talbot و مینالند Maitland. اشخاص اخیر الذکر در خلال کاوشهای خود به کشف آثار گرانهای یونان و بودایی موفق شدند و آثار یافت شده رابه موزهٔ بریتانیا انتقال دادند. همچنان چارل میسن دربارهٔ مسکوکاتی که از استوئیه های دورته، هده، بگرام و دیگر آثار بودایی بدست آمده، شرح و آنرا به نشر سپرد است.

آثاری که از شش قبر در طلائیهٔ جوزجان بدست آمد، بیش از ۲۱ هزار پارچهٔ هنری بود. این کشف در وقت حکومت دست نشاندۀ روسها بود، دانسته نشد که بعد از آن بر تپیهٔ مذکور چه وقایع رخ داد. روسها و متملقین شان خود کوزه گر و کوزه فروش بودند.

حفريات رسمی افغانستان در سال ۱۹۲۲ که با هیئت باستانشناسان فرانسوی که طی یک قرارداد رسمی عقد گردیده بود، آغاز می یابد که سالیان زیادی در زمینهٔ حفريات و نتایج مثبته را بدست آوردند.

هون تسنگ زایر چینی هده را بنام هلو و ساحةٔ اطراف آنرا نگار اهار ذکر کرده است. در اینجا یکمعداد کله های پلاستری بودا و بوتی زاتو که خدای کوچک شیطانها بود و غیره نمونه های آن کشف شد. هم چنان مجسمه های با بامیان شواهد عالی هنر مجسمه سازی و هیکتراشی در افغانستان قدیم بشمار میرود. این مجسمه هاهر کدام پنجاه و سه سی و پنج متر ارتفاع داشتند، که از بزرگترین مجسمه های دنیا بشمار می رفتند.

کوشانی هادر بگرام در قرون اول، دوم و سوم استقرار یافتند و پایتخت شان در زمان کینشکای کبیر به وقت تابستان بگرام و در زمستان تا کسبلا بود. در آنوقت صنعت (گریک و بودیک) ترقی زیادی داشت و صنعتگران ماهر و معماران پرتوان وجود داشتند که در ساختن تعمیرات و تراش هیکل هاسعی ها بخرج رسانیدند. در وقت حکومت کوشانی ها آزادی دین وجود داشت و میلان خود کوشانی ها به طرف کینشکای کبیر، کارشهرانی، پشاور و ۱۹۸۱ بودیم بود،

و آیین بودایی در حقیقت شکل رسمی راپن خود گرفته بود. چنانچه گفته آمد، در بگرام در دامنه های حصار کوهستانی قشنگ کاپیسا معابد و استوئیه هایی آباد شد. به اثر حفريات و پژوهش در بامیان چنین نتیجه بدست آمده که نقاشی و مجسمه سازی در قرن اول و دوم میلادی پیشرفتهای محیر العقولی نموده است. همچنان آثار مشترک از نمونه های بارز و فوق العادهٔ مدنیت این دور بشمار میرود. در فندقستان یکمعداد آثار و نمونه های مجسمه هائیز به مشاهده رسیده که تأثیرات مدنیت بودایی بر آنها را واضح میسازد.

در مدنیت (یونان و یاختر) روش های نقاشان معروف یونانی مثل ایصوف بر هنر افغانهای آن دور تأثیرات زیادی نموده و به اثر متراج و بیگجا شدن هر دو مدنیت سکه های آن دوره از سکه های قدیم یونان قشنگتر و بهتر جلوه میکند. تمدن گریک و بودیک در قرون اول و دوم ق م در آریانا به میان آمد و گندهارا مرکز عمدهٔ ترقی و پیشرفت مسلک نقاشی گردید، و نمونه های که در هده دیده میشود شواهد خوبی ازین دوره میباشد. / (دنباله دارد)

نزدیک و عدهٔ محدودی از دوستان عزیز صورت گرفت. از همان آغاز فرخنده به این وصل و به این شعر جاودان اقبال عقیده داشم:

خلل پذیر بود هر بنا که می بینی  
بجز بنای محبت که خالی از خلل است  
و اینکه پیش از شصت سال تمام از آن محفل فرخندهٔ عروسی میگردد و هیچ خلل در حیات باهمی ما رونما نگردیده است. بلی تا امروز هر مشکل و هر علتی را در پرتو چنین دوستی و محبت راستین و دیرین آسان ساختیم و با قناعت و واقع بینی و درک طبیعت همدیگر، و قبول ذهبت متقابل، همزیستی ساده و بی پیرانه را ادامه دادیم، و هنوز هم پر عشق و وفا و به این گفتهٔ شاعر همتوا میباشیم:

## نگاهی مختصر به معارف و نهضت سارندوی در افغانستان

بناظر معارف نوین در طلیعهٔ قرن بیست در افغانستان، فصل تازه ئی در حیات ملت ما کشوده شد. هر چند این جنبش بسیار حیاتی و حایز اهمیت در دوره های بعد دچار بحران و انحطاط شد، اما سیر تدریجی آن توانست تا مناطق دور دست کشور هم راه بیابد. همراه با رشد آموزش و پرورش نوجوانان و جوانان، نیازمندی های دیگری نیز در جهت سوق دادن این نسلهای بالنده به سوی رشد همه جانبهٔ جسمی و فکری و ایجاد سلامت روانی و القاء احساس مسئولیت پذیری و رعایت نظم و اصول در حیات جمعی و فردی جوانان پیش آمد.

درین مسیر بو جود آمدن نهضت سارندوی، اسکوت یا پیشآهنگ، افق های تازه را بر روی کودکان، نوجوانان و جوانان افغانستان اعم از دختر و پسر گشود. سیر و تاریخچهٔ این نهضت را جناب محمد نسیم خان که از خدمتگاران صدیق معارف افغانستان، با پیشینهٔ برار چندین دهه زحمت کشی در عرصهٔ تربیت جسمی و روحی فرزندان ملت اند، در رسالهٔ مصوری ثبت کرده اند.



محمد نسیم معین وزارت معارف و سفیر امریکا در کابل، در حال امضای پروژه های ساختمانی در افغانستان مؤلف محترم که خود در کنار سایر خدمات آموزشی و پرورشی، سال های درازی مسئول مستقیم نهضت مذکور هم بودند، توانستند حضور جوانان وطن را در کشورهای مختلف جهان و فعالیتهای گوناگون پیش آهنگی ایشان را بطور تحسین انگیزی در انظار بین المللی روشن سازند. تصاویر کتاب گویای نقش فعال سارندوی افغانستان در سطح جهانی است. همان نقشی که با کودتای ننگین هفت ثور یکسره متوقف و لغو شد.

جلب توجهٔ بزرگان جهان به فعالیتهای نوجوانان و جوانان سارندوی یا پیشآهنگ افغانستان، کاری بود که پیشینه نداشت، و جناب محمد نسیم خان توانست با پشتکار و عشق و علاقه اش به رشد و تربیت نسل نو چنین افتخاری را نصیب جوانان ما سازد. به روایت تصاویر و گزارش ها، جناب نسیم خان توانسته بودند تیم های ورزشی جوانان افغانستان را طوری شامل فعالیتهای جهانی سازند که اثرات مثبتی در روابط آن کشور با افغانستان بگذارد. پذیرایی پر حرارت دختران و پسران ورزشکار کوربای شمالی در میدان هوایی پایتخت آن کشور، و همین طور تیم های مختلف دیگر ورزشی افغانستان در مسالک مختلف از کانادا تا روسیه برای بار اول بود که به این حد موفقیت میرسیدند.



پذیرایی گرم از تیم ملی پنگپانگ افغانستان در میدان هوایی کوربای شمالی این رساله دربارهٔ ترویج معارف عصری و شیوه های نوین آموزش و پرورش و نیز نهضت سارندوی، ضرورت وجود آن، سارندوی بیحیث جنبش جهانی، اساسات سارندوی، تشکیلات و شیوه و طریقهٔ فعالیت آن، برنامهٔ زندگی جوانان در خارج منزل، بحث خدمت به دیگران، برنامه های زیست باهمی، تشکیل سازمانهای جوانان، حوزه های جهانی سارندوی، گردهمایی های جهانی و دیگر مباحث مطالب سودمندی را در بر دارد. رسالهٔ (نگاهی به معارف و نهضت سارندوی در افغانستان) در سال ۲۰۱۳ به همت مصطفی صاحبزاده و عمر زکریا و عبدالله نسیم، با قطع زیا به طبع رسیده است.

آخرین خدمتی که جناب نسیم خان انجام داده اند، نشر همین رساله است تا وطنداری را که اطلاع صحیحی از این مسایل ندارند، آگاهی بخشند. برای جناب ایشان که پیرانه سرهنوز هم شور خدمت برای جوانان وطن در سردارند، و همهٔ خدمتگاران سابقه دار معارف افغانستان دوام عمر و سلامت آرزو میکنیم. ادارهٔ امید

شاد باش ای عشق خوش سودای ما ای طیب جمله علت های ما  
وقتی پس از سه روز رخصتی عروسی، به فاکولته رفته و به همصنفی هایم مزده دادم که متاهل شدم، اکثر شان ازین اقدام من تعجب کردند، و پس از اظهار تیریکی و شوخی ها و تبصره های موافق و مخالف، طور عموم باهم گفتند خیلی دل و کرده میخواد که آدم در دورهٔ محصلی با داشتن معاش ماهانه ۴۵ افغانی عروسی و ازدواج کند! ولی ازین نکتهٔ جاندار و حساس آگاه نبودند که من و همسر عزیزم تصمیم گرفتیم در پهلوی ادامهٔ تحصیل من، او با کار خیاطی و گلدوزی و من با تدریس و ترجمهٔ مقاله هابرای جرایم پروگرامهای رادیویی وقت، معاش ما هوار کافی بدست آوریم، و با مساعی شبانروزی خود رفع مایحتاج کنیم. چند ماهی نگذشته بود که با عقد قرارداد روزانه دو ساعت معلمی موقتی لسان فرانسوی را در لیسهٔ حربی (حربی شونوزی) و بعده گرفتن ترجمه های مضامین مجلات برگ سبز و ژوندون، صاحب معاش ثابت ما هوار نیز گردیدم، ولی از شما چه پنهان که برای بدست آوردن این معاش، زحمات خیلی زیاد و طاقت فرسا را متحمل میشدم. شها بعد از مطالعه دروس فاکولته، بعد از ساعت ده الی نیمه های شب و بعضاً تا صبح مضامینی را که عم بزرگوارم مرحوم استاد عبدا لرشدیلطیفی از مجلات فرانسوی انتخاب میکرد، ترجمه میکردم و در جریان دروس روزمرهٔ فاکولته، هر روز از ساعت ۱۲ تا ۲ بعد از ظهر که وقت صرف طعام محصلین بود، با بایسکل ازغلی آبادیه لیسهٔ حربی واقع مهتاب قلعه رفته به تدریس زبان فرانسوی صنوف ۱۱ و ۱۲ میرداختم و پس از یک و نیم ساعت تدریس، دوباره با عجله به فاکولته طب بر میگشتم. بعضی روزها فرصت طعام چاشت برایم میسر نمی بود یا در آشپزخانهٔ فاکولته، نان کافی برایم باقی نمی ماند و تا پنج عصر، ختم دروس روزمره، گرسنه میماندم. علاوه بر اینها، ترجمهٔ شفاهی دروس بعضی پروفیسران فرانسوی فاکولتهٔ طب نیز در داخل صنف بعدۀ نه بود، و لهذا بعد از پنج عصر، یکی دو ساعت دیگر نیز باید در فاکولته می ماندم و نونهای دروس ترجمه شده را برای خودم کاپی میکردم. راستی ازین مساعی پر زحمت و تلاشها علاوه بر کسب معاش، دو نمرهٔ نیک حیاتی نیز حاصل کردم: اول اینکه برای تحمّل مشقات و سختی و فشارهای فزیکتی آماده تر و به اصطلاح سرسخت تر شدم، و دوم اینکه در کار ترجمه و نویسنده گی تجارب بیشتر بدست آوردم. / (دنباله دارد)

انجنیر عبدالصبور فروزان **سخنی چند از اندیشه های احمدشاه مسعود** (رح) (بخش نهم) : یکی از تلاشهای دیگری که جزعبرنامهٔ بقدرت رساندن مجدد طالبان درافغانستان و تحمیل آنهابر مردم مامیباشد، اینست که منابع شناخته شده و کشورهای ذینفع بشمول دولتمردان افغانستان، بخصوص آنهایکه در توطئه های اشرف غنی احمدزی شریک اند، درصدد میباشندتا ماهیت زشت ودمنشانۀ طالبان راپرده پوشش نمایند وایشانرا به مردم کشورشکل دیگری جلوه گرسازند که گویاآنهاآن طوریکه بودنددیگرینیستند! درحالیکه ظلم واستبدادآنهاهنوز فراموش مردم ماندهو زخمهای ناشی ازجور وستم شان هنوزالتیام نیافته، آثار ویرانگری هاو آنتنسازی های آنها تاکنون درکشوردیده میشود، که جبران ناپذیرمی باشند.

یکی ازاعمال زشت ونامیمون طالبان درپهلوی دیگرزشتی هایشان که تکان دهنده میباشد، جور وستمی بود که برطبقۀ اناث روا میداشتند. طرزدیدطالبان در برابرزن عین طرزدیدعربهای دورۀ جاهلیت میباشد. طالبان به زنان به نظرحقارت مینگرند وزنهارافقد هرنوع حقوق مدنی واجتماعی وشایستۀ هرنوع ادیت و آزار ومجازات میداند. باینکه در زمان حکمرانی دروازه های مکاتب ودانشگاه هارایستدوچند نسل کشوررا ازنعمت تعلیم وتربیه وفرآگیری علم ودانش محروم ساخته بودند، ولی زنهاودخترهای وطن رابکلی ازنعمت سواد وفرآگیری علم ودانش محروم کردند، حتی زن حق برآمدن ازخانه رانداشت وچون زندانیان درچهاردیوارخانه زندانی بودند. طالبان به مردم فرمان دادند که کلکینهای خانه هارا سیاه رنگ کنند یاختمه بگیرند تازن از ورای کلکین خانه خودش هم بیرون نگاه کرده نتواند. طالبان زن ودختر راحتی حق رفتن به شفاخانه وطیب جهت معالجه منع کرده بودند، و هزاران زن ودختروطن از درد ویمساری جان داده وبه داکتر و دوا نرسیدند.

طی پنجسال زمامداری طالبان که تاریک ترین ودهشت انگیزترین دوران نه تنهادر تاریخ افغانستان بلکه در تاریخ بشریت بود، زنان و دختران کشورنسه مردها وپسران صدمۀ بیشتربرداشتند که هیچ جبران پذیرنیست . امدولت کنونی باهم دستی کشورهای ذینفع صحنه سازی کرده واخیرا دختری ازوطن راآراسته و آرایش داده به کشور سوئیس فرستاد تاچندتن طالب ریشدار ولنگوته پوش ملاقات نماید. این خانم آراسته که شکر به بار کزی نام دارد، باآرایی که توان کنترل غریزۀ جنسی هر مردی رامی رбуд، روبروی دوطالب ریشدار لنگوته پوش کنار یک میز نشسته باناز و کرشمۀ زنانه باایشان سخن میگوید، بروی آنها تبسم میکند، باایشان یکجامی نوشد وغذا صرف میکند وبه رسم اروپایی احوال پرسی ودست پرسی می نماید، تا مردم افغانستان رابفریبد که گویاطالبان که ضدزن بودند، اکنون نیستند !!

این نکته خاطرهٔ را بیادم می آورد که جان برن ژورنالیست نیویارک تایمز در یک صحبت دوستانه برآیم گفته بود: (طالبان تازه کابل را اشغال کرده بودند، من بادو ژورنالیست دیگر برای مصاحبه به دفتر وزیر اطلاعات و کلتو طالبان که ملامتقی نام داشت رفتم. یکی از ژورنالیستها زن بودن ووزیر طالبان به اواجازه نداد که بداخل دفترش شود. در بالای سر وزیر طالبان درد یوار یک تابلوی زیبای رسامی از یک آهو آویزان بودو بالای آلهٔ تناسلی آهو یک توته کاغذرا سرش کرده بودند که از زیبایی تابلو کاسته بود ! من ازوزیر پرسیدم که چرا کاغذ رادر تابلو سرش کرده اند؟ وزیر طالبان گفت: ستر عورت در اسلام فرض است. باز پرسیدم چرا ژورنالیست زن را اجازهٔ مصاحبه ندادید؟ متقی گفت: زن مثل شیطان است چهره اش مرد را گناهکار و گمراه میسازد !)

اینست طرزدید رهبری طالبان، وجای تعجب است که این دوطالب چطور قبول نگاه کرده وباشکر به بار کزی آراسته و آرایش کرده ملاقات مینمایند. خانم شکر به بار کزی از درهزاران زن افغانستان که فقط به جرم برهنه بودن ناحیۀ کوچک پای که تا کزیر برهنه باقی می ماند شلاق طالبان راخوردۀ اند، چشمپوشی کرده خود رادر خدمت سیاسیون حقه باز و طالبان فریبکار مزدور که روی زن رازشت ومایۀ فساد میداند، قرار داد؟ ! درینجا برای خانم بار کزی چشمدیدی از مطالبه وفراتر زشت طالبان رادر برابر زنان، چون مشت نمونۀ خروار حکایه میکمک تااگر از کرده بشیمان شده وبه خودتفرین گوید. داستان ازین قرار است که طالبان تازه کابل را اشغال کرده بودند باسروروی چر کین وقواره های وحشتناک سلاح برشانه از کنار شهر به کنار دیگرش گشت و گذار می نمودند ومردم ازدیدن آنهاوحشت می کردند. بامو ترهای پیکاپ که تحفۀ عربستان سعودی بود در خیابانهای شهر بسرعت حر کت نموده وخاک وگرد برخاسته از عقب مو ترهای آنها به سروروی عابرن پاشیده میشد.

در حصۀ اول خیر خانه میدانی بود به پارک معروف، اما درخت و سبزۀ در آن دیده نمیشدومردم از وسط آن عبور ومورومیکردند. من با یک دوستم هم ازین راه می گذشتیم، در عقب ماچهار طالب که سلاح بر شانه داشتند باچهره های وحشتناک روان بودند. دوستم آهسته بمن گفت بگذار که این طالبان وحشی از ماپیش رفته و کم شوند. در جلو ما خانمی که طفل دو یاسه سالۀ در آغوش داشت همراه بامردیکه معلوم میشد همسرش بود راه میرفت. طالبان وحشی بدون اعتنا مارا کنار زده و جلو شدند. در همین اثنا طفلک که در آغوش مادر بود، ازدیدن چهرۀ وحشتناک طالبان ترسیده خود رادبیشتر به مادر فشرد و کوشش کرد خود را پنهان نماید. طفلک ازدستپاچگی زیاد به چادر مادر دست انداخت وچادر از سر مادر افتادوسرورویش برهنه شد. آن چهار طالب کثیف بیرحم جانب زن دودبند وشالقیهاو گردم های خود را کشیده وزن را به جرم برهنه شده سروروستش چنان شلاق زدند و گردم کاری نمودند که طفل از آغوش مادر پریده ودر گوشۀ افتیلو گریه و وایلا میکرد. زن در خاک می تپید وطالب شلاق میزدومکرر میگفتند (کاپره ده، کمونیست ده) ! زن رابه اندازهٔ شلاق و گردم زدند که لباس هایش پاره پاره شدوقسمتی از بدنش برهنه شده بودمو هایش با خاک آلوده گشت، رویش را که خون آلود شده بودیوشابند. همسرش چون برگ میلرزید چهره اش سفیدشده وازحرف زدن مانده، مثلیکه مغزش کار نمی کرد ونمی دانست چه کند .

من که نماینده چه حالی داشتم ودوستم مرا محکم گرفته بود میلرزیدم خود را تکان دادم واز دوستم خود راجدا کردم وجانب یکی از طالبان که زن راشلاق می زد دودیده باو مشت وپنخ شدم، طالبان دیگر به کمک اوشافتند وبه لت و کوب من شروع کردند، عابرن جمع شدند ومرا از چنگال آن وحشی هانجات دادند. جمعیت زیاد تر شد و هر کس که میتوانست مشتی به این طالبان حواله میکردند. طالبان به قسمی خود را از ختم جمعیت نجات داده وفرار کردند. یکی طفل را از خاک بلند کرد وتسلی میداد دیگری شال خود رابه مادر طفل دادتا بدنش را بیوشاندوچندتن دیگر همسرش را که غش کرده بود، غمخواری میکردندا به حال بیاید. کسانی هم مرا از زمین بلند کردند وسروروست ولباسهایم را باک می کردند. جمعیت بزرگتر وافزوتتر میشد واز هر دهن شنیده میشد که لعنت بر طالبان، لعنت بر طالبان مزدور. لحظۀ نگذشته بود که چندموتر پیکاپ طالبان نمایان شد و فیرها کردند وجمعیت راپراکنده ساختند. در همان لحظه بخاطر آمد که حتی نورمحمد تره کی کمونیست میگفت: (دخلکو زور دخدای زور دی) !

خانم شکر به بار کزی! ! اینها همان طالبانی بودند که خودت باآرایش و نازو کرشمه با آنان کنار یک میز نشسته وخوش صحبتی میکردی، به روی کثیف شان

استاد عبدالعلی نور احراری

**به پیشگاه استاد معظم داکتر روان فرهادی**
ز اقبال سعد و به فصل بهار
ز بهر عبادت ز اوستاد خویش
رسیدم به منزلگه آن جناب
ز فضلش چه گویم که هر چند گفتم
ز علمش چو گویم ، بود کان علم
محقق، سخندان، سخنور، بلیغ
به اخلاق و آداب و اطوار خویش
ندیدم کسی و ندیدست کس
به فن سیاست بود یکه تاز
پیرورده اولاد نیکو سیر
(روان)شکر حق کن که نیکو صفات
ستودم تو را آنچه آمد به شعر
نعیم مجدد هـزاران سیاس

تبسم ولیخندی میزدی، دستهای خون آلودشانرا در دست گرفتی، باایشان یکجا خوردی ونوشیدی ! این داستان غم انگیز رابخاطری برایت حکایه کردم تااگر قلبی درسینه داشته باشی و وجدانت بخواب نرفته باشد، از کرده بشیمان گشته و از عمل خود خجالت بکشی ! طالبان که سرشت زشت وخون آشام دارند، قتل انساهابرایشان آسانتر از همه زشتی های دیگر است که انجام میدهند. برای اینکه در میان مردم دهشت ووحشت انداخته باشند، هر کسیکه بر علیه آنهاحتی سخن هم بگویدوباشرات وجنایات شانرا افشاء کند بامردم راز ماهیت ددمشانه و منافقانهٔ شان آگاه سازد، آن شخص را به آن واحد می کشند. مثلا زمانی که تلویزیون طلوع جنایات طالبان را در قندرز و تجاوز دست اندازی آنهارابه عزت وعفت زنهاودخترهای آنجا افشاء کرد، آنها اخطار دادند که به منسوسین آن تلویزیون به سزای خود میرسند. هنوز ماهی نگذشته بود که انتحاری گماشتهٔ طالبان مو تر حامل مامورین تلویزیون طلوع رامورد حمله میدهدو کارمندان و خبر نگاران آنرا شهید میسازند.

به همین ترتیب حاجی جانخان یکی ازبزرگان وموسفیدان در اسعد آباد کنسر وقعی مردم خود را از شرارت وماهیت غیر اسلامی وغیر انسانی طالبان آگاه می سازد واز جنایات شان حکایه مینماید، طالبان گماشتهٔ انتحاری خود ر ارسال می نمایند که بتاریخ ۲۷ فیورری ۲۰۱۶ در مجلسی که جناب حاجی جانخان باعدۀ دیگری از موسفیدان کنرنشسته بود، خود رانفجر میسازد که سبب شهادت حاجی و۲۶ نفر دیگر حاضر در مجلس گردیده و ۵۰ نفر زخمی شدند. همچنان طالبان قاتل روز ۱۸ جنوری امسال گماشتهٔ انتحاری شانرا درضیافتی که در منزل ملک عثمان شنواری به مناسبت رهایی دوپسرش بنامهای حمیدالله وعبیدالله از اسارت طالبهاور پاشده بود و تعداد زیادی از باشندگان وریش سفیدان شنواری در آن دعوت شده بودند، ارسال میدارندواین طالب نامسلمان در هنگام صرف غذا خود رانفجر ساخت که سبب شهادت ۱۳ نفر به شمول هر دو پسر ملک عثمان شد و ۱۴ نفر بزرگان وریش سفیدان محل بشمول ملک عثمان زخمی شدند. مسئولیت انجام این عمل غیر انسانی و ضداسلامی راطالبان بدوش گرفته وعلت آنرا سخنرانی ملک عثمان شنواری بر علیه طالبان وافشای جنایات شان و زجرو شکنجۀ هردو پسرش راطالبان در زمان اسارت داده بودند، قلمداد کردند.

اگر جنایات طالبان رابه شمارش بگیریم از حوصلۀ هرنوع قلم و کاغذو کتاب خارج است، ولی زمامداران پاکستان که تا کلو در خون مردم افغانستان غرق اند، برای بهره برداری از مصایب مردم ما وجلب همکاریهای پولی ونظامی امریکا، طالبان رابه دو گروه طبقه بندی کرده اند، یکی طالبان افغانی ودیگری طالبان پاکستانی. طالبان افغانی را که مردم مارا بقتل میرسانندنیکو دانسته وایشانرا حمایه و تقویه وهمکاری مینمایندو طالبان پاکستانی که مردم خود رابقتل می رسانند، جنگ میکندو امریکا راهم متقاعد ساخته تا باحکمر وایان پاکستان هموا باشند . چنانکه طیارات بدون پیلوت یا درون، بر طالبان پاکستان حمله کرده وازبین بیرند، درحالیکه امریکا درصدداست تا طالبان افغان رابر مردم ماتحمیل نموده تحت پوشش به اصطلاح (مذاکرات صلح) اظهار دوباره در افغانستان بقدرت رسانده وفراتر از اینکه امریکا بعالغان میکند که ماباطالبان افغان جنگ نماید، در حالیکه هردو طالبان افغان و پاکستان یکی بوده ومنشأ مشترک داشته به اصطلاح مردم ما سگ زرد برادرشغال است! ! هردو در مدرسه های پاکستانی دهشت افگنی، قتل وکشتار مردم بیگناه را آموخته اند، هر دو توسط نظامیان پاکستانی تعلیمات نظامی و آدمکشی آموخته وهر دو از آی اس آی درین شرارت، فتنه انگیزی، دروغ وشبادی ریا د گرفته اند. هردو به پول امریکاوعربستان ایجادشده وهر دو از تزویج نواز شریف وبنظیریو تو تولدشده اند، هردو ضد زن وضد تعلیم وتربیه اند هردو خون میریزند. به ترتیبی که طالبان افغان خون مردم ماوعساکر امریکارا میریزند وطالبان پاکستان خون مردم خودشانرا. مثلا طالبان پاکستان درسال ۲۰۱۴ تعدادی از متعلمین بیگناه رادر یک مکتب نظامی درپشاور قتل عام نمودندو طالبان افغان درسال ۲۰۱۵ تعدادی از محصلین بیگناه را بمریان شان درآکادمی پلیس در کابل قتل عام کردند. طالبان پاکستان درجنوری ۲۰۱۶ بر یک پوستۀ پلیس پشاور حمله انتحاری کرده ۱۱ تن رابشمول افراد ملکی شهیدساختند وطالبان افغان در یک حملهٔ انتحاری ماه جنوری ۲۰۱۶ درحوالی میدان هوایی کابل ۲۱ نفر ملکی وپلیس راشهید کردند. بدین ترتیب عمل هردو طالب یکسان، طبیعت شان یکسان، مولود هردو یکسان، هردو پروردهٔ مدارس شیطانی وکمپ های نظامی پاکستان اند، پس چطو میشود که طالبان افغان در دنیا کستان و امریکا خوب وپسندیده وطالبان پاکستان بد وزشت اند؟ این رامیگویند(یک بام ودو هوا) !

مثلا درسال ۲۰۱۵ پاکستان ۳۰۰طالبان پاکستان رابه دار آویخت ونواز شریف در کنفرانس اقتصادی جهان درجنوری ۲۰۱۶ در سوئدن گفت اوجنگ راعلیه طالبان تشدیدمی یخشد. نواز شریف برای اینکه سران کشورهای جهان رافریب داده باشد، اذکرنام طالبان پاکستان وافغان خودداری کرد، درحالیکه آن گروه طالبی را که پاکستان علیه افغانستان وهندوستان بکار میرد، عملا حمایه، تقویه، تمویل وتریت نظامی مینماید واز گروه حقانی هرگز یادآوری ننموده آنرابه اصطلاح برای روزمبادا حفظ نموده است. برای مردم ماخیلی دردناک بود که مقامات امریکا در ۲۷ می ۲۰۱۴ پنج تن از افراد بلندپایۀ طالبان را که همه قاتلین مردم افغانستان بوده وتا کلو در خون مردم ماعرق اند و هنوز لکه های خون انسان های بیگناه را که قتل نموده بودند از دستهای کثیف شان زدوده نشده است، بدون رضایت ملت ما دربندل یک سرباز فراری (برگدایل) از زندان گوانتانامو آزاد کردوبه کشوری که در قوقل وقرارش اعتماد نیست وهمواره از داعیۀ طالبان دفاع مینماید، تسلیم دادتادر آنجاپوششی حیات بسربرند، وطالبان دیگر از مشوره هاو همکاریهای شان بهره مندشوند. اکنون آنهازاداندو قرار راپورهای رسیده از طریق سازمانهای جاسوسی جهان، ایشان همواره باطالبان در تماس تلفونی اند، مشوره میدهند، مجلس میکنند وحتی در عملیات نظامی شرکت میکنند .

این چهره های کثیف عبارتند از محمد فضل معاون وزیر دفاع و سر قوماندان قوای طالبان، عبدالحق وثیق معین وزارت جاسوسی طالبان، نورالله نوری

مشاق احمد کریم نوری

**اشکی که از دامن زندگی بر خاک سیاه چکید**



آری عبدالحکیم اطرافی به جاودانگی پیوست، باری درسالهای پسین که مریضی ومهجوری و نا امیدی زمینگیرش نموده بود برایم گفت: نوری عزیز نومیدی خوفناکتر وترسناکسر از پیری وزهیری است، در پیری جسم ما مجاله میشود! ! ودر نامیدی روح ما، در لحظات اخیر که تحویل سال ۱۳۹۴ خورشیدی با همه ناهنجاری ها، زشتی هاو تلخی ها و مفداری از شیرینی هایش به سال جدید را دقیقه شماری می نمودیم، دوست فرزانه ونیکو صفاتم آقای ذبیح الله امانیار از کشور زبیلاندنو برایم از سفر بی برگشت دوست مشترکمان مرحوم مغفور عبدالحکیم اطرافی احوال داد، هنرمندارزنده ویرازندهٔ که در نقش هایش همواره شایسته وبایسته ظاهر وهویدا میشد وتقشش رانغز وبر مغزبازی میکرد.

مرحوم اطرافی را از سالها قبل میشناختم سالهاییکه من نوجوان بودم وجناب قبله گاهٔ بزرگوارم محترم قوماندان صاحب نوری بزرگ مسئول امنیت ولایت باستانی هرات بودند ومن متعلم مکتب موفق و لیسۀ جامی آن ولایت دوست داشتی بودم، ووالدهٔ گرامی ام در مکتب محبوبۀ هروی وملکه جلالی آن ولا تدریس مینمودند واهالی آن محیط در فضای امن و امنیت که توسط پلیسان آکادمی دیده که خود خواب نداشتند تا دیگران آرام بخوابند، محل دلپسند و دلپذیر را رقم زده بود. اهالی آن شهر بدون دغدغۀ وتشویش در آن جایگاه که نما ونماد از فرهنگ پرخنا وقدامت یک تاریخ درخشان راباز مینماید با محبت و صمیمیت واخوت در فضای سالم ومسالمت آمیز شب وروز راسپری می نمودند. در شهر نو هرات که بساوقات محل کنسرتها وشادیهابود، هرات تیاتر وصحنه تمثیل به مثابه مادر هنرها ازجوش وخروش خاصی برخوردار بود وسربر آورندگانگی که درین رشته ظهور وبروز نموده بودند، در عرصۀ کاری شان موفق وممتاز بودند، که یکی از این چهره های شاد و شادان هنرمند ارزنده و برازنده زنده بامرحوم عبدالحکیم اطرافی که به شوخی خود را عبدالحکیم طیراقی میخواند، باری در نقش میرزا، بازی میکرد و نامهٔ که به شخص بیسودی ازخارج و به گفته اش ازخارجه رسیده و آورده بود تامیرزا صاحب برایش بخواند، میرزا آغازه بخواندن نامه نموده، برادر بزرگوارم را برادر بزگیر کورم خواند! ! او واقعا در نقش کمیدی درزمرۀ هنرمندان تیاترانگشت شمار بود.

جنت مکان عبدالحکیم اطرافی زادهٔ هرات باستان است، در یک خانوادۀ فرهنگ پرور پایه عرصۀ جهان گذاشت. او خود رافرزند چهار شنبه سوری می خواند. درسال ۱۳۱۴ خورشیدی در هرات تولد شد. پدرش از محله ربکاخانهٔ کابل ومادرش از هرات باستان بود، او میگفت خون شیعه و سنی در وجودش عجن بود، چون والده اش قزلباش و قبله کاهش اهل تسنن بود. مرحوم اطرافی درلیسه سلطان درس خواند ونظریه علاقهٔ وافر که به هنر تمثیل داشت، در درامهاو پروگرام های مکتب سهم میگرفت، زمانیکه نوجوانی راپشت سر گذاشت و مکتب رابه پایان رسانیده، دورۀ مکلفیتش فرارسید ورهسپار کابل شد، در دورۀ عسکری درپوهنی ننداری به کمک وهمکاری کااکای بزرگوارش، شخصیت ارزندهٔ هنری استادسایر هروی به تیاتر رفت، و به نقش آفرینی واستعداد آفرینی دربخشهای کمیدی پرداخت، بعد از دوره مکلفیت، ازدواج کرد ویا دختر کااایش محترمه حلیمه سیاهی عروسی نمود وبه شغل شریف معلمی پرداخت، به ولایت هیرمند به شغل تدریس وتعلیم وتربیه نونهالان آغاز بکار نمود ودر پهلوی وظیفۀ رسمی، درهرمند تیاتر ولشکر گاه ننداری همکاری نموده اضافه از یک دهه در آنجا باقی ماند. اودرسال ۱۳۵۴ دیواره به هرات برمیگردد و در هرات ننداری یعنی هرات تیاترو صحنۀ تمثیل به هنر نمای می پردازد و یادگار وشهکاری ازخود دردل علاقمندان هنر تمثیل بجا گذاشت، که کارهاوقشهایش ماندگار خواهد ماند.

مرحوم اطرافی درسال ۱۳۵۷ که تلویزیون کابل هسته گزاری شد، دوستان و همکاران سابق پوهنی ننداری او رادعوت مینمایند که برای اساس گذاری برنامه های حرفوی به مرکز بیاید، و بعد در درام ها و نمایشنامه های وسایل ارتباط جمعی صوتی وصورتی به ایفای نقش بپردازد، شهرتش افغانستان شمول میشود تا زمانیکه طالبان بر پایتخت چیره میشوند، به گفته خودش در زینب نه نه داری ودیگر نه نه دارینها مصروف هنرنمایی بود. بعدبه پاکستان مهاجر گردید، تا بالاخره در اخیر قرن بیست و شروع قرن بیست و یک یعنی آغاز هزارۀ جدید به جان کشور نیوزیلاندیا زبیلاندنو پناهنده میشود وتاروز وفات که جان را به جان آفرین تسلیم کرد، در همان مملکت زندگی نمود و در همان دیار به خاک سپرده شد، هر چند سخت آرزو داشت که به وطن به خاک سپرده شود، که امید این آرزویش متحقق گردد،

من بیحت یک مطبوعاتی سابقه دار درسالهاییکه از مریضی ودشواری ها رنج میرد، بصفت یک دوست سابقه دار از خدمتگزاری برایش تا حد توان مضایقه نموده بودم ودر نوشته وچندین مصاحبه از اوشان در زمان حیات شان یاد نموده بودم که به لطف و مهربانی همواره یاد آوری مینمود، وبه دوستان فرهنگی بصورت عام وبه آقای ذبیح الله امانیار واستاد هدف واستاد جفایی و مرحوم سرور بطورخاص یاد آوری ها می نمودند.

اوبه کارش عشق میورزید، وتجارب سنیژها اورا به فولاد آبدیده مبدل نموده بود، بلی عشق مانند پیانوست، اول ضروری است که قانونش را یادبگیری وبعده طریقه اشرافراموش نمای وازقلبت بنوازی، معیار واقعی هنر واقعی که ثروت اصلی پنداشته میشود، از یک بی هنر ویی قلم همین است که اگر پولش راگم کند چندمی ارزد، در حالیکه صاحب قلم وکلام ودر مجموع دارای هنراست، دارای جاودانه را دارا می باشد.

درحالیکه به روح این هنرمند پرمایه ودوست گرانمایه درود می فرستم، به نمایندگی از اتحادیۀ سراسری هنرمندان افغانستان وهمه همکاران گرامی مطبوعاتی ام وهکذا از طرف همکاران عزیزو بینندگان گرامی برنامهٔ تلویزونی درپجۀ سخن، وهمه اعضای محترم خانواده ام، وفات این هنرمندبرازنده ویا قناعت ویی طمع رابه خانواده گرامی، همکاران ارجمندشان وبه جامعهٔ فرهنگی وهنری و بالاخره به کافۀ ملت قهرمان مان صمیمانه وخالصانه تسلیت می گویم رواش شاد، یادش گرامی وجنت فردوس مکانش باد ! با حرمت و ارادت.

مشاق احمد کریم نوری معاون اتحادیۀ سراسری هنرمندان افغانستان و متصدی شوی تلویزیونی درپجۀ سخن

قوماندان عمومی طالبان در مزار شریف، خیرالله خیر خواه وزیر داخله و قوماندان اعلی طالبان ومحمدبنی آمرانیت طالبان در قلات. این جنابان همه درلست جنایتکاران جنگی ملل متحدثبت اند، و در قتل عام مردم مزار شریف واهل تشیع دست مستقیم داشته وبه دستور آنها کشتارهای دستجمعی مردم ملکی مزار شریف و قتل عام اهل تشیع صورت گرفته است. (دنباله در صفحهٔ ششم)

**سخنی چند از اندیشه های مسعود** رح (دنباله ازصفحهٔ پنجم)
ازجمله خیرالله خیرخواه احامد کرزی درپشاوردوستی و مصاحبت نزدیک داشت و محمدنبی ازی سی آی ی پول میگرفت. همهٔ این اشخاص ارتباط مستقیم بااسامه بن لادن و گلبدین داشتند. بر علاوه ایشان تجارت موادمخدرطالبان را رهبری می نمودند. این پنج نت مسئول کشتارهای دستجمعی درمزارشریف، بامیان و شبرغان بودند.

بعضی ازشهروندان مزارشریف که ازقتل عامی که محمدفضل و نورالله نوری مستقیماً فرماندهٔ آنرا دردست داشتند، جان سلامت برده اند چنین حکایت می کنند: (هواگرم بودوشهرمزارشریف مصروف زندگی خود. دکانهاباز وجمع وجوش دراطراف روضۀ شریف بود که ناگهان موت‌های پیکاپ طالبان پیداشد و شروع کندنبدبه فیر کردن به راست وچپ، مرمی مانند باران برمردم میبارید، طالبان هرچیزی که بود بالایش فیرمیکردند، نمی پرسیدند که کی است، زن، طفل، مرد، جوان، پیر وحتی گوسفند، بز، خر واسپ را گلوله باران کردند. مو ترهایشان پشت درپشت حرکت میکردندوآب بالای آن براست و چپ فیرمی نمودند، تاآخیربازار فیر کرده میرفتندودوباره دورخورده و برهر کسی که بود دوباره فیرمیکردند، حتی آتهاییکه درزمین افتیده بودند، سه چاربار بالای شان فیرشده وبدن های شان سوراخ سوراخ شده بود. مردم هرطرف افتیده واز کشته پشته هاساخته شده بود، خون درجاده فوران میکرد، بعضی کسانیکه هنوززنده بودندولی مردم خورده بودند مانند مرغ درخون می تپیدندودست وپامیزدند. مرده هادر سرکها، دو کانها، پیاده روهاوامیدان روضۀ شریف واطراف آن مانند رمه افتیده وخون هرطرف را گرفته بود. طالبان از بلند گویان صدامیزدند که کسی اجازه نداردمرده هارا بردارد وبعدا متوجه خانه هاشدند، اگر درخانه مردینه میبود بالای هر نفرسه مرمی میزدند، یکی درسر، یکی درسینه وبکی در مادرزادی (خصیه) . پسر بچه هاراماندن گوسفند حلال کرده پیش مادروخواهران مانندمرغ پرت پرت میزدندتاجان میدادند، به زنها تجاوزنموده ودختران نوبالغ وزنهای را که خوش شان می آمد باخود میبردند.

دوروز مکمل درمزار قتل عام کردند، شهرازمرده پرشده بود، از دو کانها هر چه که بود باخود بردند وازخانه هارچه دل شان میشد با خودمیکرفتند. مرده هادر جاده هاو کوچه وبازار برای شش روزهمان طورافتیده بود، تاجاییکه همهٔ اسجادرابوی گرفته پندیده بودند، و سگها وزانها به خوردن مرده های انسانها مشغول بودند. بعدازشش روز به مردم اجازه دادندتامرده هایشان رازجاده ها پیدا کرده ودفن کنند. کسی شناخته نمیشد ، تنهازروی لباس میتوانستی دوست یا عضوخانواده را پیدا کنی، اکثر مردم مرده های خودرادرحوبلی خود دفن کردند، یک ماتم بود ماتم و فکر میکردی زمین وزمان وآسمان گریه میکند ومیدان کربلا شده است.

بعداً به جان هزاره هافتدیند، چیزی که هزاره بود ازم تیغ کشیدند، آنها را از خانه هایشان میکشیدندو در دم دروازهٔ حوبلی شان با کارد حلال میکردند. بر هزاره ها کمترفیر کردند، ولی اکثر آنها را با کارد سرمی بریدند. ایشان رابرزمن نشانده ازموهای شان گرفت ازپشت سر با کارد گردن شانرامی بریدند. صحنه های بسیار دلخراش بود که آدم دیده نمی توانست وازغم وغصه نان خوردن را فراموش کرده بودیم. آتهایی که زنده مانده بودند سر ورویشان زد میزد ویحال ویی شیمه بودند. ازهرخانه آواز گریه و واویلابلای بود. کلاتهای طالبان درروضۀ شریف جاگرفته وازلودسیکرهاصدا میکردند که هزاره هاسلمان نیستند وباید کشته شوند. زنهاودختران هزاره رادر پیکانها انداخته باخود می بردند. سپس کانتینرها را زمردم شهیر کرده هر کسی را که بدست شان می آمد کش کرده داخل کانتینتری انداختند و مردم مثل گوسفندان یکی بالای دیگری کانتینر افتیده بود. کانتینر بسته کرده بطرف دشت لیلی بردند که از شدت گرمی ونبود هوا همه مردندو اگر احياناً کسی زنده بود بالایش فیر کرده اوراهم کشتند وهمه را در گودالها در آن دشت بکجا دفن کردند.

تاکنون هم هزاران نفر است که پدیرا برادریا کاکایش مفقوداست و اینها کسانی بودند که سر بازار گرفته شده بودند. احصائیت صلیب سرخ بین المللی درقتل عام مزارشریف، شبرغان وهزاره ها، طالبان بین هشتاد تا یکصدهزار انسان ملکی شامل زن ومردوطفل، جوروتاجور را کشتند. اکنون هزاران زن ودختری که طالبان باخود بردند، مفقودالتراند وازمفقودبودن چهارصدتن زن ودختر هزاره به سازمان های بین المللی بشری اطلاع داده اندوهمه به این عدد متفق الرأی اند، مگرمردم محلی تعداد آنها را بیشتر میدانند. درقتل عام مزارشریف نور الله نوری سهم مستقیم داشته وبدستورآوصورت گرفت. قرارمندی که ازذکر نامش خودداری کرده، نوری دراقرارخودگفته که ملاعمر برایش دستور داد که وقتی مزارشریف را اشغال کردید، دوساعت قتل عام کنید، ولی من امر کردم که دوروزقتل عام شودتامردم درس بگیرنودیگرتوان ایستادن دربرابرطالبان رانداشته باشند. محمدفضل نیز درقتل عام مزارشریف سهم اصلی داشت، او و نورالله نوری هردو فتوای کافر بودن هزاره هارا صادر کرده به طالبان امر کرده بودند که همه هزاره ها کشته شوند، زن ومالش غنیمت گرفته شود. چنانکه محمدفضل ازبلندگوی روضۀ شریف صدامیکرد که هزاره کافر است، یامسلمان شود یا کشته !

باید یادآورشد که این بخش مقاله ازروایات مستقیم چهارتن اهالی مزارشریف است که ازین قتل عام جان سلامت برده بودند، وجندين سال قبل تلفونی یامن گرفته بودند. اکثر گفته هایشان فراموش شده ولی کوشیدم آنچه شنیده بودم وطوریکه گفته شده بود، خدمت خوانندگان عزیز تقدیم کنم. از خوانندگان پوزش میخوامم اگرخاطر شانرا بااین قصه های غم غمگین میسازم، ولی سینهٔ من با آنها داغ است که هیچگاه زدوده نخواهدشد. نفرین برطالبان، نفرین برطالبان، نفرین بر آتهاییکه از طالب دفاع میکنند. تبادلۀ این پنج آدمکش که در لس ت جنایتکاران جنگی ملل متحد درج است، نایدیده گریختن قتل عام هاو خونریزنها و تعرض بر عزت وشخصیت هزاران زن افغانستان اعم از زهای مزار، شبرغان و هزاره وشمالی است، وبرای من سؤال است که اگر این قاتلین بخشیده شده و رها میشوند که هر چه دلشان میشود بکنند، پس چرا جنایتکاران جنگی نازبهای هنتری رانهوزن هم محاکمه کرده وزندانی میسازند، درحالیکه آتهاعین عمل را انجام داده بهودیان را کشتند، واینهامرد مسلمان افغانستان وسربازان امریکا را؟ رهایی این پنج جانی آدمخور که بدون در نظر گرفتن خون مردم ما صورت گرفت، داستانی را بخاطرم آورد که درجنگ جهانی یک سرباز روسی درقید جرمنها افتاد وانذ کی نگذشته بود که جرمنها دریافتند که اوفرنزدستالین است. در عین معر که یک جنرال پنج ستارهٔ جرمن درقید روسهافتاد. جرمنها شادمانی کردند که معاوضۀ جنرال خودرابیدا کردیم وبه ستالین اخبار کردند که فرزندت درقید ماست و محاضریم اورادر بدل رهایی آن جنرال خودبه تومستر دکنیم و هرچه زودتر اقدام جناب شمارا خواهانیم. ستالین در جواب جرمنها نوشت: (من عادت ندارم که یک افسرعادی رابایک جنرال پنج ستاره معاوضه کنم، شمارچه صواب میدانید همان نمایید. جوزف ستالین) ! / (دنباله دارد)

\*\*\*\*\*
**قیام فاشیسم جهانی وخطرات آن**
(دنباله از صفحهٔ دوم)
عدر زمان بوش زندانیان بیگناه عراقی رادر مجلس مخوف ابوغرب معروض به صدای بسیار بلند موسیقی و چراغی که اشعهٔ شدید نور داشت درشب وروز

شدند. گشتابوی نازی زندانیانی رامشل Kurt von Schuschniggاثریشی معروض به همین نوع شکنجه کردند.

۷- در زمان نازیها برای اینکه زندانیان اقرار کنند زن وفرزندان آنها را مورد شکنجه قرار دادند، عین این عمل در زمان بوش صورت گرفت.

۸- در جرمنی وقتی نازی ها Rhinelandرا اشغال کردند، پروپاگندچی هتلر، جوزف گوبلز گفت آتهابحث مردم آزادیبخش ازطرف مردم آن سرزمین استقبال شدن. در زمان بوش قبل از حمله برعراق معاون او عین کلمات نازیهارا تکرار کرد. دگ چینی معاون بوش گفت: عساکر ما درعراق بحیث آزادی پخشان استقبال خواهندشد.

۹- بعدازواقعهٔ ۱۱/۹ کاندولیسارایس رئیس امنیت ملی امریکا و دیگ چینی معاون بوش گفتند امریکادرحالت Warfootingیعنی جنگ قراردادد. پس از واقعهٔ انفلاق بمب درعمارت Reichstagکه مرکز حزب نازی بود ویرآن سمبول جرمنی یاعقابی وجودداشت، نازیها گفتند که آنها در Kriegsfuszیعنی Warfootingاقرار دارند.

۱۰- در دورهٔ بوش ژورنالیستها وپروپاگندچی هادربین عساکر جا داده شده بودند و کلمهٔ sleeper cellsیعنی مسلمانانی که بحیث تروریست درهوتل هاو جاهای دیگر در امریکا جاگزیں شده بودند، استعمال میشد. در زمان نازیها عین واقعات دیده میشد.

شب تاریک وابرهای سیاهی که برکشور امریکا در زمان جورج بوش سایه افکنده بود، به رحمت الهی بخیر گذشت. در همین لحظهٔ که این مقاله رامینویسم انتخاباتی بین دموکراتهاو جمهور یخواهان جریان دارد، میگوینددر تاریخ فاشیسم جرمنی وایتالیا انتخابات یک زمینهٔ مهمی برای قیام فاشیسم بشمار میرفت. امروز در بین جمهور یخواهان آن که بیشتر رأی مردم را اخذ کرده است، مردسفید پوست موطلایی و پولداری بنام دانلد ترمپ میباشد. مردم دربارهٔ این شخص نگرانیهایی دارند. این شخص به خارجیها عدوات شدیدی نشان داده، دشمن واقعی مسلمانان بوده ودرحق زنان بدبین میباشد. دانلد ترمپ میگوید که اگر او رئیس جمهور شود، آمدن مسلمانان رابه امریکاممنوع کرده و مسلمانان مقیم امریکا راجستر میکند، یعنی مشابه به داستان معروف (ینیویان) اثر ویکتور هوگو به مسلمانان هونتنامهٔ زرد خواهد داد.

اخیراً روزنامهٔ نیویارک تایمز تاریخی ۱۵ مارچ تحقیقاتی درمورد مردمی که به دانلد ترمپ رأی داده اند نموده نتایج آنرا برآورده است:

۱- اکثر سفیدپوستان و آتهایی که به امریکاتو دلشده اند به اورأی داده اند، این اشخاص بالاترا ازصنف دوازدهم تعلیم ندارند.

۱- اکثر این اشخاص در mobile homeزندگی دارندو عمله یا کارگر ساختمانها، دستگاه زراعتی ویا کارگر فابریکه ها میباشند.

- تحقیق نشان میدهد که رأی دهندگان برای ترمپ زادهٔ اجدادی بوده اند که درسالهای گذشته برای segregatesیا جدا کردن سفیدپوستان ازسیاهپوستان رأی داده بودند.

- این رأی دهندگان عیسویهای Evangelicalغیر کاتولیک میباشد.

این راپورهم شباهت به رأی دهندگان برای هتلرنازی رانشان میدهدو نگرانی هایی رابیجاد میکندو چنین میرساند که درفضا بوی فاشیسم به مشام میرسد. اگر توجه واقدامات جدی درزمینه ازطرف مردم نشود، سیاهی شب باردیگر برهمه استیلا خواهد کرد. بگفتهٔ پدرقانون اساسی امریکا جان آدم (وقتی قانون اساسی کشورمفهوم آزادی وجوددرازدست داد، یعنی وتیکه آزادی افراد از دست رفت، دوباره ارجاع نمی گرددو آزادی برای همیشه از دست خواهد رفت).

درکشور افغانستان: باوجودیکه این کشورسیه روز ازمدت سه صدسال به این طرف تاریخ رقت آوری داشته ومردم مظلوم آن درزیر شلاق بی رحم ظلم و استبدادیک سیستم حکومت پشتون زندگی کرده اند، هیچگاهی چون حال حاضر این ملت چندین زبان، قوم، قبیله، عشیره، عادات وعنعنات ومذاهب مختلف، قریانی جنین فاشیسم قومی ودین کاذب وسخیف افراطی غیراسلامی نشده اند.

طوریکه میگویند فاشیسم ازطرف مردم به اصطلاح سربازاری، شربر ویرحم درانتخابات ظهور میکند، درافغانستان انتخابات دروغی از طرف یک طبقهٔ فاسد ونوکورخارجی براه انداخته شدویک رژیم فاشیسیم قبیلوی رویکار آمد. درین هنگام چور وچپاول صورت گرفت وپول بیت المال به تاراج رفت. یکسال قبل قتل فرخنده ماهیت عدالت اجتماعی فرسوده، ادارهٔ فلیح مصونیت عامه و ظهور یک دین افراطی غیراسلامی و کاذب رانشان داد.

تاریخ تنهاعبارت ازشرح حوادث گذشته نیست، بلکه عبارت ازشرح حوادث گذشته وتحلیل رویدادهای آن میباشد. اوضاع فلاکتبار افغانستان امروزی وقیام فاشیسم قبیلوی توأم باشدت وزادیافاشیسم دین افراطی اسلام وظهور ملاها و چلی ها که بحیث ایجنٹ خارجی نقاب دین رابر رخ کشنده اند وبرای سرنگونی دین مقدس اسلام قیام کرده اند، به ما هوشدارمیدهد که همه درمرحلهٔ قبل از غروب آفتاب قرار داریم .

اگر همه دست بدست هم ندهیم ورژیم فاشیسم راسرنگون نسازیم وملا هایی را که به پیروی ازشمنان افغانستان میخوانند دین مقدس اسلام را بدنام نمایند، ازین نبریم، تاریکی هولناک شب درانتظار ما خواهد بود. /

\*\*\*\*\*
**احمدشاه مسعود** ... (دنباله ازصفحهٔ دوم)

ناپایداری سیاسی، معامله هابالایی منافع ملی میباشد که زمینه های گسترش ناامنی رافراهم کرده است. اگر وضعیت بهمین منوال ادامه یابد، نه تنها که محصول قربانیهای مردم و دستاوردهای جامعهٔ جهانی از دست خواهند رفت، بلکه کشور نیز در مسیر بحران بی بازگشت سوق داده خواهد شد.

امروز بار دیگر بصراحت اعلان میکنم که در شرایط موجود کشور، اقدام به عملی کردن آجندای ملی بحیث یک طرح شناخته شده وجا افتاده در قالب یک جریان ملی، یگانه راه بیرون رفت از وضعیت بحرانی موجود کشور میباشد که بدیل ندارد. آجندای ملی راهکاری است که میتواند هم باعث وحدت، همبستگی، اعتماد و امیدواری مردم ما گردد وهم باتولید طرح وتفکر تازه، می تواند کوتاه نظری و کیج اندیشی های دولت و دولتمردان را اصلاح و کشور را بسوی صلح وثبات هدایت نماید. /

\*\*\*\*\*
**تفرقه اندازان وحسیه سازان** ... (دنباله ازصفحهٔ دوم)

پیروان هر دوی این خانواده ها بیچاره های یسواد بیدانش ویخبر از همه بدیده ها وتحولات از شش جهت؛ در این دنیای کوچک اند. به ویژه از آقای پیر سید احمد گیلانی تاحال کسی نگفته ونشیده که این مرشد مجلس وعظ وارشاد و ترجمه وتفسیر از قرآن شریف و کریم و احادیث مشکبوی سرور وسردار ما حضرت محمد مصطفی(ص) داشته باشد؛ چون از یکطرف این بیچاره گنگه مادرزاد و از جانب دیگر مثل حضرت صبغت الله مجددی نازدانه وخودخواه و سخت گیر مانده به اجداد؟! خویش اند وهم شاهبودیم وهستیم که بیچاره های چسپیده به قدرت از هر دوی این سلاح زنگرده بسیار به زیرکی وشیطنت سوء استفاده کرده ومیکنند. و بقول حضرت حافظ شیراز (رح) :

زمان به مردم نادان دهد زمام مراد
تو اهل فضلی و دانش، همین گناهت بس

مشکل زیربنایی افغانستان و کشورهای مدعی کمک و همکاری برای باز سازی و آوردن امنیت در افغانستان؛ اعتماد واعتبار به اشخاص و افراد باسواد وتقال اما بیدانش وضعیف النفس ومدمدی مزاج پرخاشگر و گیر مانده در تار عنکبوتی قوم و قبیله و سر زوری میباشد. به گفته مغز متفکر آقای اشرف عنی احمدزی درکشوریکه در قرن ۱۲ وجود نداشت؛ هنوز که هنوز است خودش با هم سوی حامد کرزی با گروه فاشیستی شان با افکار قبیلوی زندگی می نمایند.

همچنان بسیاری از نماینده های مردم درشوری ملی افغانستان و وزارتها و والها در ولایات هستند. این گروه نه خودزای پیشرفتها ودگر گونیهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، دانشی و ساینسی در جهان وبویژه درین قرن ۲۱ آگاهی دار ندو نه میخواهند داشته باشند و از همان لاک قبیله وقوم و تبار و فرهنگ بدوی شان به هیچ قیمتی بیرون نمی آیند، ودربین میان اضرااری که ازین راه و روش برپیکر جامعه پشتون تبار وارد آمده بویژه جوانان پشتون ما دیده ومی بینند وخوانند دید؛ را نادیده گرفته و با سرسختی در زیر چتر وحمایت روحانیت کاذب بازار گائی ودکانداری زبان، قوم، قبیله ودستانهای واهی پدران واجدادی که یک اثری از آنهامانند نهر کشی برای زمینهای زراعتی، ساختن مکتب و مدرسه وشفاخانه و یا ساختمانها و کارگاه های عام المنفعه؛ بجز کشتن و کور کردن و چور و چپاول وخشونت واستبداد و زور گیری چیز دیگری بجا نمانده؛ با فخر فروشی بر رخ دیگران تاریخ واهی ودروغ رامیکشند؛ و شاخدار ترین دروغ اینکه اکثریت؟! اگر اکثریت هستند چرا ازدادن شناسنامه با ذکر نام قوم نه قبیله ها دریغ می ورزند؟!

سخن شمرده وستجیده گوی بی سوگند که شاهد سخنان دروغ سوگند است صائب تبریزی

امامن باربار شاهد بودم وهم شنیدم که جوانان دانشمند فیهختهٔ پشتون از بزرگان سند کتبی وتاریخی می طلبند؛ ولی بزرگان باهمان استبداد ذاتی و جهالتی که دارند بازور وظلم به فرزندان خود می قبولاند که چیزی را که من میگویم؛ باید بپذیری!! که چنین روش بی خردانه وناعاقبت اندیشانه، گروه انبوه جوانان پشتون تبار را تشویق به پژوهش و کنجکاوی نموده وتازه بسیاری شان دریافته اند که هر چه بوده و گفته ونوشته و درس داده شده همانند کتاب کنج پنهان (بته خزانه) پژوهشگرو نویسنده بزرگوار شادروان عبدالحی حبیبی مرحوم ونیز ادعای پیوستن قوم و قبیله های پشتونهای( لر او بر) واهی ودروغ و شرم آور بوده، وهم نیاد دارند از پروفیسر استاد کاکر در دانشگاه کابل (پوهنتون) که ایشان بدلیل دروغ بودن تاریخ، تدریس تاریخ در دانشگاه را نپذیرفت.

«اولین بار در مکاتبات ومعاهدات رسمی با دولت های خارجی واژهٔ افغانستان را لارد اکلند انگلیسی، وایسرای شبه قارهٔ هند درنامهٔ خود عنوانی شاه شجاع پادشاه وقت در اگست ۱۸۳۸(جمادی الاول ۱۲۰۴) بکار برد حتی جنرال استورات الفنتسون که در رأس هیئت بریتانیا در اکتوبر ۱۸۰۸ بدربار شاه شجاع میرود وبعدأ کتاب افغانان یا سلطنت کابل را نوشت، نام رسمی کل کشور ما را خراسان میگوید. او مینویسد: [نامی که توسط ساکنان سرزمین بر تمام کشور اطلاق میشود خراسان است اما واضح است که بکار بردن این نام درست نیست؛ از یکسو تمام سرزمین افغانان در محدودهٔ خراسان داخل نیست وازسوی دیگر در بخش مهم آن ایالت، افغانان ساکن نیستند.] (افغانان، گزارش سلطنت کابل)ص ۱۵۸. برگرفته ازنگاه به افغانستان- چگونه کشور ما افغانستان نام گرفت؟ نویسنده : محمداکرام اندیشمند. / کابل نا نه.

پس براین مبنا تا میتوانیم برای جوانان دروغ نگویم ودروغ ننویسیم. یک مطلب دیگر را که بار بار یاد آوری کرده ام اینست که: بسیاری از پشتون های متعصب وعقب گرای کهنه اندیش بویژه آتهاییکه درواز آتش گرم جنگ وآتش و خون خاکستر، در اروپا و امریکا و کانادا واسترلیا در خانه های مفت بامعاش تقاعدی وداکتر ودوای مفت؛ باخانواده وفرزندان ونواسه های خوش؛ با برق وآب گرم و آشپزخانه مجهز ۴ ساعتها غنوده اند؛ به جوانان پشتون نسخه مینویسند یا توصیه میفرمایند که غیرت و دود ریش سفید و رئیس قبیله را باید پاسدارباشیدو تا آن زمانیکه باز قدرت حکومتی بدست تنها پشتون تمرکز پیدا نکند؛ ازهر راهی که میتوانید بکشید! آتش بزیند! ویران کنید ورعب وترس و توحش پخش نماید تا دیگران گردن نهاده وهمانند چهل پنجاه سال پیش زیر دست ونوکرو غلام وچاکر ماباشند! بخاطر قدرت در مناطق پشتون نشین بار کزی پولزی رامیکشودرانی هردویش راوکو چهارا نیز آقا وبادار قلم داد می نمایند. چنین اندیشیدن وباورداشتن بویژه در قرن ۲۱ از جوان دانش آموخته و دانشمند نمیباید این جوان به ارزشهای توانایی فهم و فراست و دانش و خرد و اندیشه زیادتراج می نهند تا به گذشته های متروک کهنه گرایبی و لاک قبیلوی. جوان امروز هرگونه و درهر مضمونی که خواسته باشد پژوهش نماید وآگاهی یافته ودانشی کسب کرده میتوانند چی در کتابخانه ها چی در مکتب و مدرسه وبویژه( آنلاین) بسیار به آسانی ومخصوصن در مسائل و موضوعات دینی ومذهبی وفقهی بیشتر از هزار سایت به هزارها زبان بدست آورده ومیخوانند.

وابستگیها ونیازمندی به پاسخ از روحانیت کاذب حالا از بیخ منتفی گردیده، چون درهر موضوع یا مسأله اگر کسی پرسشی دارد ازین راه چندین نظریه و فتوی را از اشخاص ومنابع ومذاهب گوناگون بدست می آورد و باتامل و بکارگیری ترازوی خرد و اندیشه خویش بگونهٔ علمی و اکادمیک به دانش خود می افزایند.

باگزیدهٔ از باب اول عدل و تدبیر و رای بوستان حضرت سعدی(رح) همه را به نگهبارانده مهربان وبخشنده می سپارم.

خبرداری از خسروان عجم
که کردند بر زبردستان ستم؟
نه آن شوکت و پادشایی بماند
نه آن ظلم بر روستایی بماند
خطا بین که بردست ظلم برفت
جهان مانده و او با مظالم برفت
خنک روز محشر تن دادگر
که در سایهٔ عرش دارد مقر
به قومی که نیکی پسندد خدای
دهد خسروی عادل و نیک رای
چو خواهد که ویران شود عالمی
کند ملک در نیجهٔ ظالمی
سگالند از او نیکمردان حذر
که خشم خدایست بیبادگر
بزرگی از او دان و منت شناس
که زایل شود نعمت ناسپاس
اگر شکر کردی بر این ملک و مال
به مالی و ملکی رسی بی زوال
وگر جور در پادشایی کنی
پس از پادشاهی گدایی کنی
حرام است بر پادشه خواب خوش. /

## شرح اشتراک هفته نامه امید

**ایالات متحده: ۶ ماه (۴۵)دالر - یکسال (۹۰) دالر**

**کانادا: ۶ ماه (۵۵) دالر = یکسال (۱۱۰) دالر**

**سایر کشورها: ۶ ماه (۶۵) دالر - یکسال (۱۲۰)دالر**

## Omaid Weekly

P.O. Box 30818

Alexandria, VA 22310

Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604

Email: mkqawi471@gmail.com

تمام سطوح ملی دیده شده است. ولسوالی مارجه یکی ازدهشترا ترین ساحات هیرمند درسال ۲۰۱۰ هنگام افزایش قوای امریکا ومجل جنگهای اخیرمیان طالبان قوای حکومتی ومکان پروهش اقتصاد تریاک می باشد. یکی از کلاتهای مارجه که مسئول جمع آوری پول از کشاورزان که ۸۸جریب زمین را کو کنار کشت کرده اند، میباشد، گفت: کو کنار بسیار تطمیع کننده میباشد، نمیتوان از آن چشم پوشید. حتا با دادن مالیه ومصاب شدن به مرض، در مقایسه بانباتات دیگر بیش از سه مرتبه فایده مندتر است. وی اظهار داشت: درسال ۲۰۱۵ عواید گروپ ۶۲هزار دالر بود که کمتر از نیم عوایدسال پیش بود باریخت سی دالر مالیه در هر جریب ۵۹ هزار دالر به جیب برزگران ریخته شد.

آشفتنگی ومرض قارچی کو کنار: نادعلی از لشکرگاه مرکز ولایت هیرمنده فاصله کمی واقع شده که در آن در مقایسه بامارجه و گرمسیر کمتر انتظام وجود دارد. بسیاری از ساحات کو کنار بخاطر شدت مرض توسط تراکتور تخریب شد. از عین نادعلی اظهار داشتند که جمع آوری مالیات به چندین فکتور بستگی دارد. مثل ارتباط دهقان با فرمانده پلیس محل، فاصله زمین کو کنار با مرکز نادعلی واندازه صدمه مرض بر تولید تریاک. یک دهقان از منطقه لوی باغ نادعلی بیان داشت: تمام دهقانان از مرض کو کنار ضرر دیدند، آنچه مردم پرداختند متناسب بود با آنچه مردم کشت کرده بودند و آنچه رارض تخری کرده بود.

سیستمی که در گرمسیر بکار انداخته شده به شانس و تصادف کمتر مجال میدهد. گرمسیر که با نادعلی ومارجه دو تراز لشکرگاه واقع شده، نظریه مناطق زیر کنترل حکومت از خود مختاری بیشتر برخوردار میباشد. مصاحبه هاییکه در اواسط ماه مارچ، پیش از حمله مرض، صورت گرفته بود، نشان داد که سیستم کار میکند. در حالیکه کشاورزان از پرداخت پول به حکومت ناخوشند معلوم میشدند، اکثریت شان آنرا اجتناب ناپذیر می پنداشتند و میگفتند که با آنچه مفاد کو کنار نظریه گندم و پنبه بیش می باشد!

جمعه خان یک کشتکار ۳۵ساله گرمسیر اظهار کرد: (مامی فهمیم که مامورین از ما پول میگیرند). زمانی سیستم به مشکل مواجه شد که دو نفر وکیل شورای ملی تغییر سیستم را تقاضا کردند. وقتا که تقاضای شان رد شد، آنها موضوع را افشا کردند و آزار سانه بی ساختند!! مقامات کابل فوراً ولسوال، قوماندان امنیت ومدیر امنیت را که متهم به تقسیم عواید بودند بر طرف ساختند. معاون والی هیرمند در یک اجتماع کو چوک مقداری از پول هارابه دهاقین مسترد کرد و وعده نمود که در آینده ازین استفاده جویی ها جلوگیری شود.

مقامات گفتند که تمام پولها به دهاقین مسترد شد و مرتکبین موقوف شدند، ولی هیچکدام وعده بطور کامل عملی نشد. ولسوال گرمسیر طی یک مصاحبه از گرفتن پول انکار کرد، او به در شیر تبدیل شد، چندماه بعد دوباره به گرمسیر به وظیفه پیشین خود تعیین گردید. مقامات در کابل گفتند در اثر تفتیش ثابت شد او از خطا کاری پاک بوده است! پس اتره طی یک سفر به گرمسیر، در اثر تفتیش ثابت شد و از دهاقین شنیدیم که آنان تم پول را دریافت کرده بودند!

\*\*\*\*\*  
\*\*\*\*\*

### درباره فرهنگ (دنباله از صفحه سوم)

ولایت قندهار به سه ولایت پشتون هیرمند، ارزگان وقندهار تقسیم یافت، در جنوب شرق ولایت پکتیا به سه ولایت پکتیکا، خوس و پکتیا مبدل ساخته شد. از ولایت غزنی ودو ولایت ساخته شد: غزنی و قلات، ولسوالی پشتو زبان لوگر ولایت شد، در حالیکه در شمال کابل، کلکان، گلدره وشکردره وقره باغ که اکثریت آنها تاجک ودری زبان بودند، باوجود تعداد بیشتر نفوس به حال خود باقی ماند، ومردم مجبوراند برای اجرای کارهای رسمی به ولایت کابل در پایتخت مراجعه کنند و راه دور را بپیمایند.

در شرق کشور نیز که پشتو زبان اند، تعداد ولایات رایشتر ساختند، تعدد ولایات پشتو زبان در ترکیب پارلمان، تعداد پوهنتونها و کمک اقتصادی دولت مرکزی، کمکهای بین المللی به نفع پشتونها وبه ضرر غیر پشتونها انجامید.

معضله دیگر پشتونگرایی وتصعب لسانی، هاناما مصاحبه هاومیزمدور در رادیو تلویزیونها میباشد. این پدیده که نه در تاریخ افغانستان ونه در کشورهای دیگر وجود دارد، از زمان حکومت حامد کرزی آغاز شده ونه زهم ادامه دارد. در این پدیده سؤال به یک زبان بیان میشود، اما جواب به زبان دیگر ارائه میگردد، در حالیکه جواب دهنده اکثرابه زبانهای پشتودری تسلط کامل دارد. در هیچ نقطه جهان سؤال به یک زبان وجواب به زبان دیگر داده نمیشود. به عبارت دیگر سؤال وجواب هر دو بایک زبان بیان میگردد. اگر بعضی از زبان دیگر استفاده شود، از ترجمه استفاده صورت میگردد، اما در افغانستان روزنامه نگار سؤال را به زبان دری طرح میکند، اما جواب دهنده آنرا به زبان پشتو جواب میدهد!

آنانیکه سئوالات را به زبان پشتو جواب میدهند، در کابل ودیگر مناطق دری زبان بزرگ شده اند، زبان مادری (پشتو) را در خانه وزبان دری را از مکتب و محیط فرامیگیرند، وبه این ترتیب به هر دو زبان تسلط کامل دارند. اکثر این متعصبین زبان افغان ملتی هابی هستند که به نظر آنان بااست همه مردم افغانستان به زبان پشتو تکلم کنند. البته هستند بعضی پشتوزبانان که در زبان دری تسلط کامل ندارد، اینها مجبور اند نظرات خود را به زبان مادری ارائه کنند. پشتونهای غیر متعصب پرسش دری را به دری پاسخ میدهند.

باوجود تغییرات مثبت زبانی در زمان کمونیستها وبعد دردوره کرزی، زبان هنوز هم یک مسأله حساس وجنجال برانگیز است. تا زمانیکه افغانستان به یک دولت ملی مبدل نگردد، معضله قومگرایی وزبانگرایی پابرجا خواهد ماند.

تاکنون بعد اول (ملیگرایی) وحدت ملی را پیگیری کردیم، در شماره های آینده بعد دوم وحدت ملی را که مذهبگرایی میباشد، به بحث می گیریم. /

### تقدیر از دانش آموز نخبه پنجشیر

۱۹مارچ/ پنجشیر- باختر: رئیس واعضای شورای ولایتی پنجشیر امروز طی محفلی از یک دانش آموز نخبه تقدیر کردند. محمد خالد ممتاز اول نمره عمومی نظر به شایستگی ولیافتش از سوی عزم الدین میرزایی رئیس شورای ولایتی با اهدای لوح تقدیر تمجید شد. محمد خالد ممتاز فرزند قند آغا باشنده قریه بارخم ولسوالی عنابه با کسب صد فیصد نمره از سوی ریاست معارف ولایت پنجشیر اول نمره عمومی در سال ۱۳۹۴ شناخته شده است. محمد خالد پسر بیست ساله در حال حاضر شاگرد صنف دوازدهم لیسه عنابه بوده ونظر به لیاقت وکسب نمرات عالی از سوی ریاست معارف اول نمره عمومی شناخته شده است.

از تو کتاب ها به دریای دلم گفتم  
دریا و آسمان منی  
باز هم با تمام احساس از تو گفتم  
مطلب دوم: روزهای رفته سال را ورق میزنم ...  
چه خاطراتی که زنده نمیشوند ...

چه روزها که دلم می خواست تا ابد تمام نشوند  
وچه روزها که هر ثانیه اش یک سال زمان می برد ...  
چه فکرها که آرامم کرد وچه فکرها که روحم را ذره ذره فرسود ...  
چه لبخندها که بی اختیار بر لبانم نقش بست و چه اشک ها که بی اراده از چشمانم سرازیر شد ...

چه آدم ها که دلم را گرم کردند و چه آدم ها که دلم را شکستند ...  
چه چیزها که فکرم را هم نمی کردم، و شد، و چه چیزها که فکرم را پر کرد، و نشد ...

چه آدم ها که شناختم، و چه آدم ها که فهمیدم هیچگاه نمی شناختمشان، و چه ...

و سهم یک سال دیگر هم بادش بخیر می شود ...

کاش ارمغان روزهایی که گذشت، آرامشی باشد از جنس خدا ...

آرامشی که هیچگاه تمام نشود ...

ارسالی میر وحیدالدین انصاری، مرثیه در رثای بانو نجیبه انصاری:

بنفشه رست ز باران صبحدم نمناک  
گل جوانه من رفت زیر برده خاک  
بدون آگهی بیکاره از میانه برفت  
چقدر سهل عبورست شاهراه هلاک!  
ز مهد تابه لحد روی دیده جایش بود  
کنون غنوده چه سان در میان تیره مفاک  
کشید دامن صد آرزو به خاک سیه  
اجل جراست چنین بی مروت وسفاک  
ز دیده رفت فروغ امید من، لیکن  
ز دل کجا برود تا به پا بود افلاک  
قرار وصبر و شکیبایم به یکسر برد  
گذشت مادر و احباب ومن به سینه چاک  
خدا به درد و غم مبتلا ترا نکند  
چه ممکن ست که سوز دلم کنی ادراک  
اگر زمین و زمان را به گریه غرق کنی  
فلک هنوز بماند مستگرمی باک  
امیر به که نهم سر به دامن تقدیر  
سپارشم به عنایات و لطف ایزد پاک  
از دیوان شادروان سید امیر انصاری، که در رثای دختر جوانش سروده بود، (الحق که زبان حال پدر و مادر الحاح انجینیر محمد عصیم کوشان مرحوم نیز میباشد)  
\*\*\*\*\*  
\*\*\*\*\*

### مبارزه ناکام با تریاک (دنباله از صفحه سوم)

حکومت رئیس جمهور غنی احمدزی مبارزه علیه فساد رادر محراق توجه خود قرارداد. از سید ظفر هاشمی سخنگوی حکومت، در مورد دخالت مامورین در تجارت تریاک، بشمول گرمسیر سؤال شد. او تا کید بیان داشت: (در برابر این نوع روش تحمل صفر می باشد). غنی احمدزی براطلاعاتی که نشان دهد مامورین حکومت به عمل غیر قانونی بشمول وضع مالیه بر تریاک دست زده اند، بصورت قاطع تصمیم میگیرد.)

برخلاف، در گرمسیر و کمربند ساحات کو کنار ولایت هیرمند، سیستم تولید و خرید و فروش به قوت ادامه دارد و خیلی هم ثابت میباشد. این سیستم بالای کلان های روستاها و اشخاصی که بنام میر آب از جانب دهاقین بخاطر تنظیم توزیع آب تعیین میگردد، استوار میباشد. میرابها و بزرگان قوم مناطق کشت کو کنار را سروی میکنند و بر اساس آن پول جمع آوری می نمایند. این پول هم برای مامورین محلی میباشد و هم برای مقامات در کابل!

مأمورین بصورت خصوصی اعتراف میکنند که ارتباطات عمیق تا حکومت مرکزی وجود دارد. در برخی مواقع از آن پولها به سناتوران و وکلای شورای ملی که دارای رواب منطوقی میباشد داده میشود. کارمندان ریاست مستقل اورگانهای محلی که اوضاع ولایات و ولسولیهات نظارت میکنند، قسمتی از آن پولها را به جیب می اندازند. شماری از مقامات مهم پلیس وقوماندانهای امنیتی بشمول متحدین نظامی واستخباراتی امریکا در ارتباط بسیار نزدیک با تجارت تریاک می باشند.

ولی مبلغ واقعی پول اکثرأ در اختیار مامورین محلی ولایتی قرار می گیرد. ولسوال وقوماندان امنیه گرمسیر، بیش ترین قسمت پول را به دست می آورند، پلیس های محل هم بخشی از آنرا حاصل میدارند. کشتکاران گرمسیر گفتند که آنها در سال ۲۰۱۵ در هر جریب زمین زیر کشت کو کنار بیست دالر پرداخته اند که در سطح گرمسیر تقریباً سه ملیون دالر تخمین میشود. گرمسیر یکی از ولسوالی های ولایت هیرمند، مرکز کشت کو کنار ومجل افزایش قوای امریکادر سال ۲۰۱۰ است، جاییکه مامورین بادهاقین کو کنار اتحاد نمود. در ولسوالی مارجه عین سیستم گرمسیر وجود دارد که کشاورزان مبلغ معین پول را به اساس ساحة کشت کو کنار می پردازند. در ولسوالی نادعلی هم چنین نظم با وسعت کمتر موجود میباشد. درین اواخر طالبان به بعضی ازین ولسوالی ها خود را نزدیک کرده اند که بر زارعین کو کنار چندان تأثیر وارد کرده، زیرا آنها پیش از افزایش قوای امریکا، به طالبان و بعد از آن به حکومت پول می پرداختند. اکنون باز هم کشاورزان خود را با شرایط وفق خواهند داد.

کارشناسان اظهار میکنند که عکسهای ستلایت از سال پیش از جنوب هیرمند نشان میدهند که کو کنار بصورت آشکارا در چشمرس پایگاه های نظامی و پلیس کشت میگردد. حکیم انگار آمر سابق پلیس ولایت هیرمند بیان نمود: (طی سالها من حکومت مرکزی، حکومت محلی و خارجی هارادیده ام که بصورت خیلی جدی درباره کو کنار صحبت میکنند، ولی در عمل هیچ کاری نمی کنند، در عقب صحنه پنهانی برای ثروت اندوزی به معامله دست میزنند.)

ترتیبات پردرآمد: بر اساس سنجهای معمول، تلاشهای جانی برای نابودی کشت کو کنار در افغانستان ناکام میباشد. ریکارد سازمان ملل که از سال ۲۰۰۲ آغاز شده، نشان میدهد که در سال ۲۰۱۴ در مقایسه با سالهای پیش که سال ختم وظیفه جنگی ناتو بود، بیشترین ساحة زیر کشت کو کنار قرار گرفت. اگر یک نکته روشن در سال ۲۰۱۵ وجود داشته باشد، آن حمله مرض فنگسی Fungus مرض قارچی، بر کو کنار بود که در بعضی مناطق تولید را تا نیم کاهش داد. کاهش تولید سبب آن میشود که تلاش زیاد تر صورت گیرد تا تولیدات آینده افزایش یابد. کاهش تولید تریاک سال ۲۰۱۴ سبب کاهش مالیه حکومت هم گردید! همدستی حکومت در تجارت تریاک یک عمل نو نمی باشد، دلالت در عقب صحنه برای حکومت، در تولید، پالایش وقاچاق تریاک و هیروین کار می کردند و از مرزهای بدون کنترل افغانستان خارج می نمودند. این نوع فساد در

### بازگشت همه به سوی اوست

-وفات مرحومه جمیله اخلاص زرمئی سابق استناد دانشگاه کابل را در کانادا به خانواده های محترم اخلاص، زرمئی، پکتیوال، مرشادی و کلیه بازماندگان صمیمانه تسلیت میگویم. امید

-وفات مرحومه بی بی حاجی رحیمه خالقی را کالیفورنیابه خانواده های محترم خالقی، ابراهیمی و جیلانی صمیمانه تسلیت میگویم. امید

-وفات مرحومه بی بی حاجی نسیمه لطیفی ارغند پووال رادر کالیفورنیابه خانواده های محترم لطیفی، ارغند پووال، عباسی و کهنگدای صمیمانه تسلیت میگویم. امید



مرحوم محمد عصیم با همصنفان دوران مکتبش، شکیل احمد و محمد عمر، دریک رستوران افغانی - سپرنگفیلد، ورجینیا (سال ۲۰۰۵) پیام های دوستان به خاطر وفات شادروان محمد عصیم کوشان همکار اولی و پرکار هفته نامه امید

شوهر خاله محمد عصیم جان: بسم الله الرحمن الرحيم  
آقای محمد قوی کوشان، سردبیر محترم هفته نامه گرامی امید!

خبر درناک حادثه وفات جوان نامراد عصیم جان را شنیدیم، ویر درد ها و غم هایم درین محنتکده، درین شهر درد کشیده و آزرده جان افزود. نگاههای مصوم او همین لحظه پیش چشم من است. نگاههایی که در آن پرسش های فراوان موج میزد و امید و ناامیدی باهم گره خورده بود، نگاههای بیگانهی که تفسیرش چه دشوار بود، و سرانجام او آرام زندگی را برگزیند، دل به دریا زد و با موج ها در او یخت و شسته از گرد گناه و غبار عصیان به بیکرانگی پیوست.  
به شما و مادرش تسلیت میگویم.

اینجا در کابل، در شهر سیلی خورده روزگار، در این دیار هر دم شهید، آسمایی و شیردروازه هر روز سوگواری حادثه تازه ئی است. درین ماتمسرا بیکار دیگر زندگی از عشق و امید تهی شده است. هیچکس را اطمینان و امیدی به فردا نیست. دردا که هیچ مصیبتی جانکاه تر ازین نیست که ملتی امید به آینده را از کف بدهد. باشد تا بنگریم که در نهان، روزگار در کین چه بازی نشسته و کار دستگاه ((جهل وجنون)) به گجایمکشد. نقش نوین را سرانگشت نیکان و باکان رقم خواهد زد، یا سباهکاران شب پرست و دیوسرشت. با همه این درد و گدازها و سوز و داغ ها من به روشنایی فردا باور مندم. فردای ملتی که در کوچه پسکوچه های تاریخ هزاران فراز و فرود حادثه دید، اما از اینقا و قامت آزادی اش خم نشد.

داکتر سیدمخدوم رهین، رئیس پوهنتون یوس سوبس در افغانستان، و رئیس شورای سراسری مردم کابل / ۲۰ دلو ۱۳۹۴، کابل

سید تقییر علوی، ورجینیا: دوست داتشمندن محترم محمد قوی کوشان! صفحات نامه وزین امید، باز تاب گسترده از مرگ ناپهنگام پسر جوان شما رباباز میگوید. حقیقت این است که این حادثه غیر منتظره برای مادر این جوان نهایت رقتبار است.

خداوند طبقه نسون را حساس، مهربان ومقاومت ناپذیر خلق کرده است، ولهنا چنین مادری که فرزند جگر گوشه خویش را با فداکاری و شکیبایی و حوصله بزرگ کرده، تا باری شمع روشن روزهای آخرین حیات او باشد، دفعتاً او را خداوند از نزدش می ستاند و به دیار ابد می فرستد، غم و اندوه خارج قیاس می داشته باشد.

به این وسیله تسلیت وغمشریکی عمیق خویش را به جناب شما و همسر محترمه شما، که پدرش بشیر جان، یادگار سالهای مکتب من بود، تقدیم می کنم.

ضمناً با کمال شرمندگی خدمت شما عرض میکنم که وقتی دوجلد کتاب را خدمت شما اهدا کردم، در شرایط نهایت دشوار زندگی بسر میبرد که به زندگی من مجال نمانده بود، ولی به لطف بی ریای داکتر معالج من و پرستاری اولادم، صحت من دوباره بهبود یافت، لذا با کمال شرمندگی خواهش میکنم که کلیات بیدل (رح) را لطفاً به اینجناب اعاده فرمایید، زیرا به این شخصیت ارادت و احترام زیادی قابل میباشم، و چون به شما اهداء کرده ام، لهدا هر وقت که چشم از جهان بپوشم، به دختر خویش که در منزل او بسر میبرم، توصیه میکنم که کتاب را، چنانچه قبلاً وعده کرده ام، به شما اعاده کند.

اساساً اولادم وشاید از همکاران قلمی آن نامه گرامی، سرگردان تحصیلات عالی در مراکز علمی باشند، که به مطالعه چنین آثار فرصت کافی نداشته باشند، وبه همین دلیل نیز بود که شمارا که مرد متدین، ادیب و ژورنالیست فدا کار می شمارم، کتابهای خود را خدمت شما تقدیم کردم، و از سایر همکاران قلمی شما نیز توقع دارم که منابع و مآخذی که در خارج جمع کرده اند، در شرایط ناگوار، به شما یاب کتبخانه افغان اکادمی تقدیم کنند، تا شاید اولاد وطن که فرصت وشوق کافی داشته باشند، از آن برخوردار گردند. با تقدیم احترام.

سید وهاب، از ارواین کالیفورنیا: برادر گرامی آقای کوشان! بعد از تقدیم سلام واحترام، تسلیت خود را نسبت رحلت جانگداز نور چشمی فرزند رشیدتان انجنیر محمد عصیم جان، حضورتان تقدیم نموده برای متوفا بهشت برین آرزو میکنم. عزیز برادر من ازینکه بسیار وقت از وفات ایشان گذشته ومن حال خیرم، چون خاتم منریض است ومن هم به منزل نیوده ام، معذرت می خواهم. خداوند کریم برای ایشان جنت فردوس و برای شما و فامیل محترم صبر جمیل واجر جزیل اعطا فرماید. خداوند یار ومددگارتان.

دو مطلب تازه از فرشته عصیم، درباره شادروان محمد عصیم:

مطلب اول: بی تاب از تو گفتم

روز و شب از تو گفتم

بی سبب نیست، از تو گفتم

با قلب پاک از تو گفتم

پارسال از تو گفتم

کم صحبتیم، اما همیشه از تو گفتم

در کتاب خاطراتم از تو گفتم

در هر صفحه کتابم به یاد تو گفتم

دوست می دارم از تو گفتم

دلم مثل دل تو آسمانی است

چیزی شنیده ام از آسمان

کتاب (یادداشت‌های استادخلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانند نسخه آنرا از مرجع ذیل بدست بیاورند:

Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

# Omaid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 24, Issue No. 1016, March 31, 2016, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan  
P.O. Box 30818, Alexandria, VA 22310 U.S.A.

Tel/fax: (703) 491-6321 Cell: 571 435 4604  
Email: mkqawi471@gmail.com

## خاطرات استادان و شاگردان

### لیسه عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه و خاطرات استادان و شاگردان لیسۀ عالی حبیبیه همراه با عکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاً هرچه زود تر شرح حال و سرگذشت و خاطرات خود را به آدرس هفته نامه امید ویا ایمیل ذیل تا آخر ماه دسمبر ۲۰۱۵ ارسال دارند.

تلفون ۴۳۵-۴۶۰۴-۵۷۱  
mkqawi471@gmail.com  
Omaid, POBox 30818, VA 22310 USA

PHONE # (510) 792-2629 BANK OF AMERICA ACCT # 06636-74303

### خانواده های فقیر و بی پناه در افغانستان چشم براه کمک های شما هستند.



PANAH CHARITY  
P.O. BOX 3131  
SAN RAMON, CA 94583  
www.panahcharity.org  
rbenish@panahcharity.org  
501c (3)

### ۸۱٪ نراضی از حکومت ... (دنباله از صفحه اول)

دیوید سدنی معاون پیشین سفارت ایالات متحده در کابل میگوید میزان رضایتی مردم، از توقعات برآورده نشده آنان از حکومت وحدت ملی ناشی میشود، زمانیکه رئیس جمهور غنی ودا کتر عبدالله به قدرت رسیدند، آرزومندیها زیاد نسبت به آینده پدید آمد که همه چیز تغییر خواهد خورد، اما هیچ چیزی تغییر نچورد. حکومت وحدت ملی اساسا در جدال بی پایان قیومیت و مقرریها مقید ماند و بهبود آجنانی در زندگی روزمره مردم آورده نتوانست. با اینحال به گفته این دیپلمات پیشین امریکا، حکومت وحدت ملی باوصف عدم محبوبیت در بین مردم افغانستان، بقا خواهد کرد. او گفت حامد کرزی با وصف عدم رضایت مردم از وی بیش از ۱۰سال در قدرت ماند.

یکی از نکات شامل درین سروی، مقایسه وضعیت کنونی زندگی افغانها با یکسال پیش و توقعات آنان در یکسال آینده میباشد. این نظر سنجی نشان میدهد که ۶۹٪ افغانها وضعیت کنونی زندگی شانرا نسبت به یکسال پیش، نسبتاً یابسیار خراب توصیف میکنند. فقط دیدگاه ۳۰ درصد در این زمینه مثبت بوده است. تقریباً ۴۶٪ افغانها ابراز داشته اند که وضعیت کلی زندگی آنان در ۲ ماه آینده نسبتاً یابسیار خراب خواهد شد. اندکی بیشتر از ۲۴٪ شرکت کنندگان به بهبود وضعیت زندگی شان در یک سال آینده خوشبین بوده و ۳۰٪ آنان نمی دانند که چه خواهد شد.

پاکستان بدتر از داعش: درین سروی همچنان نظر مردم در مورد ده کشور و سازمان خواسته شده است. قدرت های منطقی در مقایسه با قدرت های غربی مطلوب تر تلقی شده اند. هند باداشتن نظر مثبت ۲۲٪ شرکت کنندگان بعنوان مطلوبترین کشور در صدر و پاکستان باداشتن دیدگاه مثبت فقط ۳٫۷٪ مصاحبه دهنندگان بعنوان نامطلوبترین کشور در قعر این فهرست قرار گرفته است. میزان عدم محبوبیت پاکستان در این سروی پایتتزاز گروه دولت اسلامی یاداعش است. حدود ۵۸٪ شرکت کنندگان نظر مثبت نسبت به داعش داشته اند.

عدم محبوبیت پاکستان از دید آقای سدنی، بازتاب دهنده او را کثرت افغان هاست که پاکستان را بعنوان منبع تمام مشکلات شان میندازند. سدنی گفت هر چند این طرز دید اعراف آمیز است... در نهایت طالبان که در پاکستان پایگاه دارند، افغانها را میکشند. این جریان در ۱۵-۲۰ سال گذشته واقع شده و اکنون افغانها با واقع بینی بی برده اند که کی ها آنان را می کشند.

پس از پاکستان و داعش، طالبان در رده نامطلوبترین ها قرار گرفته اند. تنها ۱۱٪ افغانهای شامل درین سروی گروه طالبان را مطلوب تلقی کرده اند. معاون پیشین سفارت ایالات متحده در افغانستان میگوید میزان پایین حمایت از طالبان که همسو با سایر سروی ها است، مشکلی را متوجه مذاکرات صلح میسازد. سدنی گفت اگر حالیکه تنها ۱۰٪ مردم از طالبان حمایت میکنند، آرزومندی و تقاضای آن گروه در روند صلح این است که نقش عمده در حکومت داشته باشند که این دوگانگی بزرگی است... حالا این نظر سنجی نشان می دهد که درز میان افغانها عریض است و منازعه ادامه خواهد یافت.

هر چند سروی BBS گلوب از پاسخ دهندگان در مورد مذاکرات صلح با طالبان نپرسیده، با اینحال، سروی های دیگر نشاندهنده حمایت وسیع از تلاشهای صلح است. بگونه مثال، در سروی اخیر بنیاد بین المللی آسیا ۲،۴ درصد افغانها گفته اند که مذاکرات با طالبان نظر نیک است.

دیدگاه مثبت نسبت به امریکا: بیشتر از ۳۴٪ مصاحبه شوندگان این سروی به گونه نسبی یا کلی، ایالات متحده را بعنوان یک کشور مطلوب مینگرند. از جمع شرکت کنندگان سروی حدود ۴۶٪ آنان با سطح تعلیم بالاتر از صنف ۱۲ نظر مثبت در قبال ایالات متحده داشته اند. در حالیکه ۲۸٪ با سطح تعلیم پایینتر از صنف ۱۲ دیدگاه مثبت نسبت به ایالات متحده داشته اند.

آقای سدنی گفت موقف ایالات متحده در نزد افغانها، پس از اعلامیه ماه اکتوبر ۲۰۱۵ رئیس جمهور بارک اوباما که گفت شمار نیروهای امریکادر افغانستان تا پایان ۲۰۱۶ بدون تغییر باقی خواهد ماند، ممکن تغییر کرده باشد. به گفته سدنی که عضو بود مشورتی انستیتوت مطالعات استراتژی یک افغانستان نیز است، افغانها پیش از اعلامیه اوباما خود را (ترک شده حس کردند). او افزود اگر امروز در مورد ایالات متحده از افغانها پرسیده شود پاسخ به گونه چشمگیری متفاوت خواهد بود.

برخی یافته های سروی گلوب به پیمانۀ گسترده موازی با نتایج سایر سروی هایست که سوی نهادهای ملی و بین المللی در افغانستان صورت گرفته است. در سروی اخیر بنیاد بین المللی آسیا که در ماه نومبر ۲۰۱۵ آشرف شد، فقط ۳۶٫۷٪ شرکت کنندگان گفته بودند کشور شان در مسیر درست در حرکت است. یافته های این سروی حاکی از پایتترین میزان خوشبینی افغانها از حکومت شان در یک دهه گذشته بود. از سوی دیگر ۵۷٫۸٪ مصاحبه دهندگان در سروی بنیاد آسیا از کار کرد حکومت وحدت ملی افغانستان ابراز رضایت کرده بودند.

بوردمدیره نشراتی ایالات متحده یا BBS یک اداره دولتی امریکاست که تهناتر برون مرزی داشته و رادیو و تلویزیون آشنا صدای امریکا یک بخش آن است. گلوب یک شرکت تحقیقاتی مستقر در ایالات متحده است که مشاوریت ستراتیژیک، تحلیل و ارزیابی و نظر سنجی های عامه را در داخل و بیرون از ایالات متحده امریکا انجام می دهد.

### در حمله هوایی در هیرمند دهها طالب کشته شدند

۲۵ مارچ/هیرمند - بی بی سی: مقام های محلی هیرمند گفته اند در دو حمله جداگانه هواپیماهای ناتو به مراکز طالبان درین ولایت، دهها طالب کشته شده اند. عصمت الله دولتری، فرمانده قرارگاه ۵۰۵ پلیس هیرمند گفت حمله اول شب گذشته در ولسوالی نادعلی انجام شده که در نتیجه آن ۳۰ طالب کشته شدند. در دومین حمله که ظهر امروز در ولسوالی مارجه صورت گرفته نیز ۷ طالب کشته شدند که ۷ جنگجوی پاکستانی نیز در میان کشته های این حملات هستند. مقام های محلی در جریان این حملات قرار گرفته و درین مورد از قبل هماهنگی صورت گرفته بود. طالبان تاکنون در این مورد چیزی نگفته اند.

**امید را برای دوستان تان اشتراک کنید. مطمئن باشید از شما ممنون می شوند.**

در این بین شتر ابوذر که همراه قافله می آمد، از رفتن بازماند. ناگهان اصحاب متوجه شدند که ابوذر هم عقب کشیده، گفتند: یا رسول الله! ابوذر هم برگشت. بازم رسول اکرم باخونسردی فرمود: بگذار بدبرود، اگر دروا خیری باشد خداوند به زودی او را به شما بر خواهد گرداندو اگر نیست، خداوند شما را از شر او آسوده کرده است.

ابوذر هرچه کوشش کرد و به شترش فشار آورد که او را به قافله برساند، ممکن نشد، از شتر پیاده شد و بارها را بدوش گرفت و پیاده به راه افتاد. آفتاب به شدت بر سر ابوذر می تابید، از تشنگی له له میزد، خودش را از زیاد برده بود و همدانی جز رسیدن به پیغمبر و ملحق شدن به یاران نمی شناخت. همانطور که میرفت، در گوشه از آسمان ابری دید و چنین مینمود که در آن سمت بارانی آمده است. راه خود را به آنطرف کج کرد، به سنگی برخورد که مقدار کمی آب باران در آنجا جمع شده بود، اندکی از آن چشید و از آشامیدن کامل آن صرف نظر کرد، زیرا به خاطرش رسید بهتر است این آب را با خود ببریم و به پیغمبر برسانیم، نکند آنحضرت تشنه باشد و آبی نداشته باشد که بیاشامد. آب هارا در مشکلی که همراه داشت ریخت و با سایر بارهایی که داشت به دوش کشید. با جگری سوزان پستیها و بلندی های زمین را زیر پامی گذاشت تا از دور چشمش به سیاهی سپاه مسلمین افتاد، قلبش از خوشحالی تپید و به سرعت خود افزود.

از آنطرف نیز یکی از سپاهیان اسلام از دور چشمش به یک سیاهی افتاد که بسوی آنها پیش می آمد. به رسول اکرم عرض کرد: یا رسول الله! مثل اینکه مردی از دور بطرف مامی آید. رسول اکرم: چه خوب است، ابوذر باشد. سیاهی نزدیکتر رسید، مردی فریاد کرد: به خدا خودش است، ابوذر است. رسول اکرم: خداوند ابوذر را بیامرزد، تنها زیست میکند، تنهایی میرد، تنها محسور میشود. رسول اکرم ابوذر را استقبال کرد، اثاث را زیست او گرفت و به زمین گذاشت. ابوذر از خستگی و تشنگی یحال به زمین افتاد.

رسول اکرم: آب حاضر کنید و به ابوذر بدهید که خیلی تشنه است. ابوذر: آب همراه من هست. آب همراه داشتنی و بیاشامیدی؟ - آری پدر و مادرم به قربانت! به سنگی برخوردیم، دیدم آب سرد و گوارایی است، اندکی چشیدیم، با خود گفتیم از آن نمی آشامیم تا حییم رسول خدا از آن بیاشامد. / (دنباله دارد)

### اعتراض به لغوبرنامه برف پاکوی در بدخشان

۲۷ مارچ/ بدخشان - بی بی سی: صد ها خانوادۀ در ولسوالی مرزی ولایت بدخشان از لغو برنامه برف ریزی در این ولایت شاکي هستند. برنامه برف پاکوی درین ولایت هر ساله در دو مرحله زمستانی و بهاری انجام میشود اما امسال اجرای برنامه زمستانی با تاخیر انجام شد و مرحله بعدی این برنامه نیز تاکنون عملی نشده است. لغو این برنامه در حالی صورت گرفته که صد ها خانوادۀ در هشت ولسوالی مرزی این ولایت، راه های رفت و آمدشان به دنبال ریزش برف از پنج ماه به این سو بسته شده است. علیشاه زمانی یکی از باشندگان این منطقه میگوید ضخامت برف در بعضی مناطق به بیش از سه متر رسیده و اگر برنامه برف پاکوی عملی نشود، راهها تا چهار یا پنج ماه بعد بسته خواهند ماند.

مسئولان ریاست فوآئد عامه بدخشان میگویند جدول زمانی برنامه برف پاکوی را به وزارت فوآئد عامه سپرده بودند اما برای اجرای آن پاسخ منفی دریافت کرده اند. عبدالغنی، رئیس فوآئد عامه بدخشان میگوید بدین وزارت به گمان اینکه برف باری در مناطق یاد شده صورت نگیرد، این برنامه را لغو کردند. فضل احمد آماج یک کارمند ریاست فوآئد عامه بدخشان شماری از اعضای شورای ولایتی بدخشان را متهم به احلال گری و رساندن اطلاعات نادرست به وزارت فوآئد عامه میکند. اما احمد بشیر صمیم آن رئیس شورایی ادعا دارد میکند و میگوید: ما هرگز درخواست لغو برنامه برف پاکوی در ولایت بدخشان را نکردیم. نمایندگان مردم بدخشان در شورای ولایتی با توجه به حجم برف در مناطق بلند و کوهستانی بدخشان که راه چندین ولسوالی سرحدی است، خواهان تجدیدنظر در تصمیم وزارت فوآئد عامه شده اند.

بدخشان همه ساله شاهد برف باری های شدید می باشد.

### نه داعشی در حمله هوایی کشته شدند

۲۷ مارچ/ ننگرهار - باختر: نه عضو گروه داعش در یک حمله هوایی در ولایت ننگرهار کشته شدند، آنان در مخفیگاهی در ولسوالی اجین آماج مشغول سازماندهی یک رشته حملات تروریستی بودند که آماج قرار گرفتند.

### طالبان مدیریک مکتب در غور ربودند

۳۰ مارچ/ فیروز کوه - باختر: عبدالمجید مدربلیسه خفک ولسوالی چهارسده غور حینیکه از مکتب بطرف منزلش میرفت، توسط طالبان در مسیر راه از موتر پایین و به محل نامعلوم انتقال داده شده است. وی توسط افراد قاری رحمت الله یکی از قوماندانان طالب ربوده شده است.

### طالبان یکتن را به اتهام آدم ربایی به دار آویختند

۳۰ مارچ/ زریخ - باختر: طالبان یکتن را به اتهام اختطاف و قتل یک تاجر مواد نفتی در ولایت نیمروز در منطقه دشت صدفاضل میان ولسوالی خاشرود نیمروز و ولسوالی بکوه فراه در محضر عامه به دار آویخته شد. او حیدرخان سردسته گروه اختطافچیان در نیمروز بوده که حدود سه ماه قبل عبدالله نورزی را اختطاف و ۴۵ روز قبل وی را به قتل رسانده بود.

### نصیر احمد رازی

### داستانهای همسو با تصوف (۱۱)

باز هم از تصوف در مسیحیت: خداوند همیشه در جهان است و پدیده های فنی و علمی بشری نتواند متکررین امر شود. انسان مدرن که در جهانی زندگی مینماید که با برخی از سیارات ملیاردها سال نوری فاصله دارد، فریاد مینماید: (هنگامیکه به آسمان نگاه میکنم، با آسمانی که تو خالق آن هستی، هنگامیکه ماه و ستارگان را تماشا مینمایم، به این فکر می افتم که انسان چیست که به یاد او هستی و فرزند انسان چیست که مراقب او هستی) میخوام از شما خواهش نمایم که ابتدا طالب عدالت و ملکوت پرورد گار باشید، بگذارید روح خدا در وجودتان رسوخ کند، برای مقابله با مشکلات و مبارزات زندگی به خداوند احتیاج مبرم دارید، کشتی زندگی شما قیل از رسیدن به بندر نهای، با توفان سخت، بادهای ویرانگر و دریا های متلاطم مواجه خواهید شد. اگر به خدا ایمان عمیقی نداشته باشیم، نمی توانیم بر مشکلات غلبه نمایم، بدون ایمان به خدا تمام کوششهای مان به خاکستر و تمام سحر گاه هایمان به شبهای تاریک تبدیل خواهد شد.

ولی اگر به خداوند ایمان داشته باشیم، میتوانیم از دره های ناهموار، به قله های آرامش درونی صعود میکنیم و در تاریخترین شهبای زندگی ستارگان نورانی امیدبخش رامشاهده می نمایم.

در این باره سنت اگوستین میگوید: تو ما را برای خودت آفریده ای، تا زمانی که به تو ایمان کامل نداشته باشیم، آرامش و صفا نصیب ما نخواهد شد. واعظ کهنسال و جهان دیده برای نصیحت به دانش آموزان به مدرسه رفت، پس از اینکه موعظه و عظ کرد، بادانش آموزان به گفت و شنید پرداخت. از یکی از شاگردان جوان و با استعداد که رابرت نام داشت پرسید: برای آینده ات چه نقشه هایی کشیده ای؟ رابرت پاسخ داد: میخوام حقوقدان شوم. واعظ پرسید: پس از آن چه خواهی کرد؟ رابرت جواب داد میخوام ازدواج نمایم و تشکیل خانوادۀ دهم و به و کالت بپردازم. واعظ پیرافروید بعد چه خواهی کرد؟ رابرت پاسخ داد: باید بصراحت بگویم که امیدوارم پول زیادی بدست آرم و تمام راحتی جهان را آماده و به مسافرت های بزرگ به تمام نقاط جهان بروم. واعظ کهنسال نگاه رحم آمیزی به رابرت انداخت و با لحن پدرا نه گفت: نقشه های تو ناقص است، توفقط برای ۷۵ تا ۱۰۰ سال نقشه کشیده ای، تو خداوند زندگی آسمانی را فراموش نموده ای!

این عقیده واعظ پیر بسیار صحیح بود، اغلب ما نقشه های میکشیم که از لحاظ کمیت بسیار غنی ولی از لحاظ کیفیت فقیر و چیز است. نقشه های ما بجای اینکه بروی سطح عمودی ابدیت کشیده شود، به روی سطح افقی زمان کشیده شده است. میخوام از شما تقاضا کنم که نقشه های خود را بروی سطح عمومی ابدیت ترسیم کنید. شما مؤظفیکه که دارای و وجود خود را وقف نیت های خیر خواهانه خداوند نمایید. پس در نتیجه باید ابتدا خود را دوست بدارید، این طول زندگی است و مهمتر از همه به خداوند ایمان داشته باشید، این ارتفاع زندگی است. مسیح درین باره گفته: (خدای خود را به همه دل و تمامی نفس و تمامی فکر خود محبت نما). فقط در صورتی زندگی شما به سرحد کمال میرسد که بتوانید این سه بعد را به طور مثبت و متناسبی گسترش دهید.

امیدوارم که ما هم بتوانیم با کوشش و جدیت بطرف زندگی کامل، که طول، عرض و ارتفاع آن برابر است، حرکت نمایم. صرف درین صورت میتوانیم لیاقت بندگی خداوند را داشته باشیم. ( از سخنان دکتر مارتین لوتر کینگ . داستان: او اخر تابستان بود و گرما بیاد میکرد، خشکسالی و گرانی اهل مدینه را به سته آورده بود. فصل چیدن خرما بود، مردم تازه میخواستند نفس راحتی بکشند که رسول اکرم به موجب خیرهای وحشتناکی مشعر به اینکه مسلمین از جانب شمال شرقی از طرف رومی ها مورد تهدید هستند، فرمان بسیج عمومی داد. مردم از یک خشکسالی گذشته بودند و میخواستند از میوه های تازه استفاده کنند. رها کردن میوه و سایه بهار آن خشکسالی و در آن گرمای کشنده، و راه دراز مدینه به شام رایش گرفتن کار آسانی نبود. زمینه برای کارشکنی منافقین کاملاً فراهم شد.

ولی نه آن گرما و نه آن خشکسالی و نه کارشکنیهای منافقان هیچکدام نتوانست مانع فراهم آمدن و حرکت کردن یک سپاه سی هزار نفری برای مقابله با حمله احتمالی رومیان بشود. راه صحرا را رایش گرفتند و آفتاب بر سرشان می یارید. مرکب و آذوقه به حد کافی نبود، خطر کمبود آذوقه و وسیله و شدت گرما کمتر از خطر دشمن نبود. بعضی از سست ایمانان در بین راه پشیمان شدند. ناگهان مردی بنام کمب بن مالک برگشت و راه مدینه را رایش گرفت. اصحاب به رسول خدا گفتند: یا رسول الله! کمب بن مالک برگشت. فرمود: بگذار بدبرود، اگر دروا خیری باشد خداوند به زودی او را به شما بر خواهد گرداندو اگر نیست، خداوند شما را از شر او آسوده کرده است.

طولی نکشید که اصحاب گفتند: یا رسول الله! مزارعین ربیع نیز برگشت. رسول اکرم فرمود: بگذار بدبرود، اگر دروا خیری باشد خداوند به زودی او را به شما بر خواهد گرداندو اگر نیست، خداوند شما را از شر او آسوده کرده است. مدتی نگذشت که با اصحاب گفتند: یا رسول الله! هلال بن امیه هم برگشت. رسول اکرم همان جمله را که در مورد آن دو نفر گفته بود تکرار کرد. (دنباله در ستون ۲)